

اندازه که باید تقدیم وزارت فوائد عامه نماید پیش از يك عشر ذرع نباشد مقصود این است نقشی که باید تقدیم وزارت خانه نماید پیش از يكدم ذرع نباشد و خود او اگر بخواند کم و زیاد کند البته اشکالی ندارد.

رئیس - آقای مشار اعظم پیشنهادی کرده اند قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سه از دستور خارج شود ماده دیگر مطرح شود تاجر ماده ۳ در خارج مجلس دفتهای لازمه بعمل آمده هم مطلب آن و هم عبارت آن اصلاح گردد.

رئیس - آقای مشار اعظم بفرمائید.

مشار اعظم توضیح ندارد.

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایان اینکه تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم قرائت می شود.

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده دهم - اعتبار اجازه فقط در سال است و پس از انقضای این مدت بترتیب فوق باید تجدید شود والا ممکن است پس از یکبار اختطار در مجله علامات صنعتی و تجارنی و انقضای مدت يك ساعه اجازه استعمال عین مشابه آن بدیگری داده شود.

رئیس - آقای کارزونی.

(اجازه)

کارزونی - بنده خیلی میل داشتم که آقای مخبر حکمت و فلسفه را که در نظر گرفته اند و مدت را ده سال قرار داده اند بفرمایند که اسباب مسرت بنده شود.

چرا باید دو سال باشد؟ يك تجارتخانه گاهی پنجاه هفت سال طول میکشد اگر غرض واقعی این است که بعد از ده سال يك پولی بگیرند دیگر ماسکه لازم ندارد معین کنند که بعد از ده سال يك پول بدیگری بگیرند نه اینکه دوم مرتبه يك اشکالاتی ایجاد کنند که بر گردد کلیشه را تجدید کنند و قبلی و مو کلی و يك خرجی هم بکنند این هادبگر لازم نیست والا دولت يك کلیشه که يك کسی داد.

پاک صنعتگری یا ظرف دولت يك علامتی گرفت و بغوش تخصیص داد بایستی مجاز باشد مگر تا زمانیکه خودش آن علامت را پس بدهد.

مخبر - ایشان معتقدند که مدت اجازه باید دائمی باشد.

ولی در این جا وزارت فوائد عامه در نظر گرفته است که مدت ده سال باشد و برای اجازه این ده سال دو ماه معین شده است و بعد از هر ده سال از صاحب این علامت بگیرند و اختیار قبول یا عدم قبول را باید بخود صاحب علامت سازد که اگر خواست تجدید کند يك پول باید بدهد والا فسخ

خود او مایل باشد تجدید کند يك ورقه مینویسد تجدید میکند و همان ده تومان را میدهد و اگر مایل نباشد مینویسد من طالب نیستم و اگر وزارت فوائد عامه دیگری را طالب دید بازمی دهد و حالا اگر بخواند این ماده را تغییر بدهند آن وقت ماده را هم که تصویب شده باید آن را هم کم و زیاد کنند چون این ماده مدت راده سال معین کرده و در آن ماده هم معین شده است که در ظرف این مدت ده تومان بدهد و پس از ده سال اگر خواست باید بیاورد تجدید کند و اگر نخواست مجبور نیست و تا يك سال هم اختطاری کند بعدا اگر صاحب امتیاز اولی نخواست و دیگری خواست باو می دهند.

رئیس آقای اشکر.

(اجازه)

اشکر - بنده تصور میکنم بهتر این است که اول متوجه به اصل موضوع بشویم و بفهمیم که علامت صنعتی برای چه لازم است و چرا این امتیازات داده میشود و چرا مردم باید با این زحمات این علامت را بگیرند؟

يك کسی میخواهد بواسطه علامتی که برای خودش اختیار میکند زوری مستوعات خودش میکند از سایر همکاران خودش مصنوعاتش در خوبی متمایز باشد و مشتری ها مصنوعات او را بپسندند و بخرند و برای او فایده داشته باشد پس بفرق آدمی که يك علامت را اختطاب کرد و ده سال این علامت در دنیا معروف و مشهور شد چرا باید دوباره بیاورد وزارت خانه مربوطه عرض حال بدهد کلیشه بدهد و بخواهد تجدید بکند.

البته وقتی بنا باشد مدت اعتبار ده سال باشد وقتی که دوباره میخواهد این علامت را برای خودش درخواست کند ممکن است وزارت خانه قبول کند ممکن است قبول نکند آن وقت يك علامتی را که يك کسی گرفته و مدت ده سال بواسطه خوبی میشود در دنیا معروف و مشهور شده بچه مناسب است وزارت خانه اختیار داده شود که اگر وزارت خانه بخواهد بگوید بدهد و قبلی و مو کلی و يك خرجی هم بکنند این هادبگر لازم نیست والا دولت يك کلیشه که يك کسی داد.

پاک صنعتگری یا ظرف دولت يك علامتی گرفت و بغوش تخصیص داد بایستی مجاز باشد مگر تا زمانیکه خودش آن علامت را پس بدهد.

مخبر - ایشان معتقدند که مدت اجازه باید دائمی باشد.

ولی در این جا وزارت فوائد عامه در نظر گرفته است که مدت ده سال باشد و برای اجازه این ده سال دو ماه معین شده است و بعد از هر ده سال از صاحب این علامت بگیرند و اختیار قبول یا عدم قبول را باید بخود صاحب علامت سازد که اگر خواست تجدید کند يك پول باید بدهد والا فسخ

میشود.

ولی آمدن بوزارت خانه و کلیشه دادن دوباره و این ها مستلزم این است که شاید وزارت خانه نخواهد باو بدهد و قبول نکند.

رئیس - آقای حاج میرزا مالک.

(اجازه)

حاج میرزا مالک - این جا به همان فلسفه که آقا فرمودند که يك شخصی یا تجارت خانگی بخواهد مصنوعاتش متمایز باشد دولت هم حفظ حقوق او را در مقابل سایرین نکند بهمان فلسفه یعنی ما نمی نماند که ما قائل شویم يك مبلغی بدولت بدهد اگر ما این مبلغ را زیاد تر میگردیم همان اشکالاتی که نسبت به ده تومان شده لابد نسبت به يك مبلغ بیشتر هم همان اشکالات باید که حرارت بیشتری بیاورد یا اینکه است که این وقت و این مبلغ را در نظر گرفته اند و گفته اند سه سال ده تومان ولی اینکه هر قدر وزارت خانه بدهد بخواهد باو اجازه میدهد اگر نخواهد میدهد و در اختیار وزارت خانه است.

خیر اینطور نیست اختیاری نیست برای آنکه بموجب حق که گرفته مال او است و برای تجدید مدت هم در همین لایحه مصرح است که می رود و میگوید و اجازه رومی - گیرد و وزارت خانه مجاز نخواهد بود يك حق را که قبلا يك مؤسسه داده است به اختیار خودش یا ندهد و بدیگری بدهد بلی اگر خود آتش هم نخواست بدیگری داده میشود البته حقش سناط می شود پس این ماده با فلسفه نوشته شده است و این حق هم که قائل شدیم بدولت بدهد این چیز مهمی نیست که تصور کنیم يك هاید زیادی بدولت میدهد که ما تا اسم استتکاف میکنم.

رئیس - آقای کارزونی.

(اجازه)

کارزونی - دولت معمولاً از يك دست پول میگیرد و از يك دست دیگر باید خرج کند.

پول میگیرد برای اینکه در راه اصلاحات ملکی خرج کند در آن را هم خرج میکند.

یعنی در همه جا دولت نباید پول بگیرد.

در آنجا یک دولت باید پول خرج کند تا باید پول بگیرد.

حالا بنده این قانون را اینطور می بینم که میگوید آنجا یک دولت باید پول خرج کند باید پول بگیرد حتی اگر يك نظر مصححان هم داشته باشیم باید طوری بیچ و تاب تویش بیندازیم که بالاخره بر گردد پول گرفتن و خراب شود این مسئله کند.

تمام این استفاده های را از دولت

است و برای این است که مردم تشویق بشوند و صنعت را زیاد تر بکنند کوشش و جدیت در صنایع خودشان بکنند خوب است آقایان در نظر بگیرند که اصل صنایع مادر ایران کجا هستند و چه طور مردم هستند؟ و از نقطه نظر مردمان صنعت قانون را وضع کنند.

رکس دید که از دادن ۱۰ تومان سالی سیصد تومان استفاده میکند میدهد والا اگر پول نداشته باشد علامت صنعتی اختیار نمیکند.

ولی اگر هم سرمایه دار باشد باید از تأدی این مبلغ دریغ کند؟

آنها ای که میروند يك علامت صنعتی را برای خود اختصاص میدهند غالباً کمپانی های مهمی خواهند بود که با سرمایه دار های داخلی با سرمایه داران خارجی شرکت کرده اند آنها نباید هر ده سال بده سال ده تومان بدولت بدهند؟

ما خیال میکنیم اگر این پول را از جیب دولت بیرون بیاوریم و در جیب آنها بگذاریم برای مردم مملکت مفید است در تمام دنیا این رسم بوده و هر کس که باندازه ده تومان در ده سال از این مارک استفاده میکند آن علامت را میگیرد و اگر استفاده نبرد نمی رود و بقیه بنده این ترتیب بصره تمام کمپانی ها سرمایه داران است والا خودشان حاضرند که سالی يك تومان برای حمایت کردن دولت از مارکشان بدولت بدهند آنوقت ما سراز میکنم که دولت نباید این پول را بگیرد و این پول توی جیب آن کمپانی خارجی یا آن سرمایه داخلی برود.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای کارزونی قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مدت ده سال حذف شود.

رئیس - توضیح بدهید.

کارزونی - بنده نمیخواهم توضیح مفصلي بدهم لکن بطور اختصار عرض می کنم اینکه بنده گفتم هر ده سال بده سال ده تومان اخذ نشود برای تقویت و حمایت از سرمایه داران نبود بلکه برای آن باب صنایعی بود که صنایعشان کوچک و عمده ای شان کم است و البته اگر سرمایه داران صد تومان یا هزار تومان هم بدهند اهمیت ندارد. ولی نظرم اینست که این اختصاص علامت اهمیت پیدا کرده چاقو ساز و نساج هم بتواند يك علامت اختصاص برای خودش گرفته باشد نه اینکه اینرا هم يك مردمانی تخصیص بدهیم که سرمایه هنگفتی دارند و دیگر اثر آنرا محروم کرده باشیم. غرض ما تشویق صنایع است.

رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه

میکند. مثلا کمپانی شرق که در عراق نشسته است و پانصد هزار تومان سرمایه اش است و میخواهد يك علامتی برای خودش اختیار کند ده تومان هم بدولت نهد؟ این مفاد صحبت های ما میشود ما اصولاً باید این را تشخیص بدهیم که این امتیاز اجباری نیست همه کس مجبور نیست که این امتیاز را بگیرد.

هر کس دید که از دادن ۱۰ تومان سالی سیصد تومان استفاده میکند میدهد والا اگر پول نداشته باشد علامت صنعتی اختیار نمیکند.

ولی اگر هم سرمایه دار باشد باید از تأدی این مبلغ دریغ کند؟

آنها ای که میروند يك علامت صنعتی را برای خود اختصاص میدهند غالباً کمپانی های مهمی خواهند بود که با سرمایه دار های داخلی با سرمایه داران خارجی شرکت کرده اند آنها نباید هر ده سال بده سال ده تومان بدولت بدهند؟

ما خیال میکنیم اگر این پول را از جیب دولت بیرون بیاوریم و در جیب آنها بگذاریم برای مردم مملکت مفید است در تمام دنیا این رسم بوده و هر کس که باندازه ده تومان در ده سال از این مارک استفاده میکند آن علامت را میگیرد و اگر استفاده نبرد نمی رود و بقیه بنده این ترتیب بصره تمام کمپانی ها سرمایه داران است والا خودشان حاضرند که سالی يك تومان برای حمایت کردن دولت از مارکشان بدولت بدهند آنوقت ما سراز میکنم که دولت نباید این پول را بگیرد و این پول توی جیب آن کمپانی خارجی یا آن سرمایه داخلی برود.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای کارزونی قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مدت ده سال حذف شود.

رئیس - توضیح بدهید.

کارزونی - بنده نمیخواهم توضیح مفصلي بدهم لکن بطور اختصار عرض می کنم اینکه بنده گفتم هر ده سال بده سال ده تومان اخذ نشود برای تقویت و حمایت از سرمایه داران نبود بلکه برای آن باب صنایعی بود که صنایعشان کوچک و عمده ای شان کم است و البته اگر سرمایه داران صد تومان یا هزار تومان هم بدهند اهمیت ندارد. ولی نظرم اینست که این اختصاص علامت اهمیت پیدا کرده چاقو ساز و نساج هم بتواند يك علامت اختصاص برای خودش گرفته باشد نه اینکه اینرا هم يك مردمانی تخصیص بدهیم که سرمایه هنگفتی دارند و دیگر اثر آنرا محروم کرده باشیم. غرض ما تشویق صنایع است.

رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه

بودن پیشنهاد آقای کارزونی. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته میشود باده دهم. آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

ماده دوازدهم.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده دوازدهم - اشخاصیکه برخلاف ماده ۱۱ علامتی را استعمال نمودند از ۱۰ روز الی یکسال بعین محکوم و از مبلغ ۱۰ تومان الی سیصد تومان بصدوق دولت دادنی خواهند بود.

اشخاصیکه اشباع آرای علاعات نقلی و ساختگی دانسته بعرض فروش و معامله بگذارند از هر روز الی شش ماه حبس و از ۱۰ تومان الی یکصد و پنجاه تومان بصدوق دولت دادنی خواهند بود.

در صورت تکرار در هر دو مورد مجازات مضاعف میشود.

محکم که در صورت تقاضای مدعی می تواند مرتکب را بتأدی خسارات وارده بر او نیز از هر قبیل که باشد محکوم نماید و نیز حق دارد علامت نقلی اشباه را باطل کند و صورت حکمی را کدر این قبیل موارد صادر مینماید کلا و یا بمقادیر نقاطی که لازم میدانند اعلان کند یا در روزنامه ها درج نماید و مخارجی هم که بر این اقدام تعلق میگیرد بر عهده محکوم علیه خواهد بود.

تبره - معادل مبلغی که مطابق ماده ۱۲ بعهده محکوم علیه تعلق میگیرد از عین اشیاء نقلی مصادره خواهد شد و از اشیائی که علامت آنها را نیوان باطل کرد از قبیل اشیاء شکستنی تمام آن اشیاء ضبط و در این صورت از جریمه معاف خواهد بود.

رئیس - آقای طهرانی.

(اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده آندهنه هم باین ماده مخالف بودم حالاً هم مخالف و عقیده ندارم باینکه در يك قانونی باین کیفیت مواد مجازات نوشته شود و معتقدم در موقمی که قانون جزای عمومی در مجلس مطرح است آنوقت در موضوع تقلب و تزویر اهم از اینکه تقلب در سند باشد یا در علامت صنعتی در آن قانون معین شود و مجازات آنها هم معلوم شود و آن مطلب بنظر من گران می آید که در قانون جزای عمومی يك حدودی برای مزور و متقلب معین بکنند و يك جزائی هم برای آن در این قانون معین بکنند که آن جزا مخالف باین جزا باشد.

آن قانون هم که بندها تصویب خواهد شد معلوم خواهند کرد که جزای متقلب و مزور چندتر است.

و اینهم در تحت همان عنوان است والا اگر بنا باشد در هر موضوعی از موضوعات باینکه ماده قانونی برای مجازات متقلب آن وضع کنیم که يك ماده تا یکسال حبس و فلان قدر جزای نقدی بدهد این یعنی يك ماده در قانون جزای عمومی معین میشود که مزور و متقلب چه اندازه باید مجازات شود و باید در این ماده تصریح شود که متقلب از مواد فوق در حکم مزور و متقلب است و هر حکمی که در قانون جزای عمومی برای مزور و متقلب معین شده در اینجا همان معامله باو میشود.

رئیس - آقای اشکر.

(اجازه)

اشکر - مخالفم.

رئیس - آقای کارزونی.

کارزونی - مخالفم.

رئیس - آقای دست غیب.

دست غیب - مخالفم.

رئیس - شاهزاده شیخ رئیس.

محمدهاشم میرزا شیخ رئیس - مخالفم.

رئیس - آقای ندین.

ندین - بنده باین ماده موافقم.

رئیس - بفرمائید.

ندین - بنده باین ماده موافقم و معتقدم که برای حفظ حقوق همان صنعتگر بچاره همان اولیئین ساز و همان آهنگر که قبلاً برای آنها این همه دل سوزی میشد برای حفظ حقوق آنها و برای این که هر کس تقلب و تزویر میکند لازم است در این قانون در تحت عنوان متقلب و مزور يك ماده ذکر شود.

و اینکه بفرمایند در قانون جزای عمومی که بعد وضع خواهد شد تکلیف معین شود.

این ترتیب طفره از موضوع است زیرا مادام که يك قانون جزای عمومی درست نشده و معلوم نیست کی مجلس خواهد آمد و کی بتصویب مجلس میرسد وقتی این قانون اجرا میشود.

اگر اشخاصی پیدا شدند و نسبت به علامت صنعتی سایرین تقلب کردند باید بگوئیم حالا برو توی کوچه ها بگرد تا وقتی که قانون جزای عمومی وضع شود و تکلیف تودر آن جا معلوم شود این هیچ متعلق ندارد و مادام که این قانون جزای عمومی در مملکت وضع نشده هر قانون خصوصی که وضع میشود باید بمتعلقین از مواد آن يك ماده جزائی وضع کرد بعد که قانون جزا وضع میشود تمام این مواردی که در قوانین معتقله وضع شده آنها را جمع میکنند و بهاری هم بگذارند و يك فصل عمومی در تحت عنوان متقلب و مزور قرار میدهند و بنا بر این هیچ متقاضی نیست که چون ما قانون جزای عمومی نداریم و بندها وضع میکنم هر کس تقلب میکند نباید متعرض او شد.

بنده زیاد در این موضوع صحبت نمیکنم و کاملاً هم باین ماده برای حفظ حقوق همان صنعتگری که این قدر دلسوزی برای او میکنم موافق هستم.

رئیس - آقای اشکر.

(اجازه)

اشکر - در این جافضا با يك طوری مورد مباحثه میشود که دقیقه ب دقیقه هیچ شباهتی باهم ندارند.

قبلاً آقای مخبر فرمودند که این ترتیب برای سرمایه داران وضع شده و شما میخواهید يك کسی که سرمایه دار است ده سال بده سال هم ده تومان بدولت نهد و از حمایت دولت محروم بماند بعد بنده آخری که میرسیم می بینیم که از متقلب هم جریمه نقدی میگیرند و هم حبس و سایر بلا هایش میآورند در این صورت این ماده بکلی مخالف با فرمایشات آقای مخبر است. دیگر اینکه در اینجا ایراد شد که اگر تقلب یا نقلی راجع به يك موضوع مخصوصی از کسی بریزند تکلیف آن چیست؟ بقیه بنده باید عموماً راجع باین تقلب ها قانون جزا نوشته شود آن قانون تکلیف تمام متقلبین را معین میکند در اینجا گفته شد این طفره از موضوع است برای اینکه يك قانونی وضع نشود.

بنده عرض میکنم ما قانون جزای عرفی نداریم و سردا اگر يك حکمی تقلب کرد یا بتکلیف مجازات او چیست بنا بر این هر وقت ما فرصت کنیم باید يك قانون جزائی وضع کنیم و در نتیجه مجازات های مختلفه برای اشخاصیکه بطور اختلاف تجاوز از قوانین میکنند معین کنیم والا این ترتیب که نمیشود.

مثلاً يك وقتی حسن رأفت و شفقت نمایندگان جنبشی میکند و راجع به يك تخلف يك مجازات کمی معین میکنند و در موضوع تخلف دیگر که شاید خلافش هم کمتر از اولی باشد مجازات بیشتری معین میکنند بالاخره وقتی که این هارا بپول می بگذاریم می بینیم يك چیز فریبی بیرون می آید آن وقت يك کسی که خلاف کوچکی کرده مجازات بزرگی برای او معین کرده اند و يك کسی که خلاف بزرگی نموده مجازات کتری برای او قائل شده اند.

البته بایستی در مملکت قانون مجازات باشد و تمام خلاف ها و تقلب هارا در مد نظر آورده و نسبت به هر خلاف و تقلبی جزائی معین کند و در يك جایی که يك قانونی راجع به علامت صنعتی وضع میشود نباید مجازات متقلب از آن راه معین کرد. مثلاً برای حبس ده روز تا يك سال و برای جریمه نقدی ده تومان یا سیصد تومان معین کرد و این اختلاف فوق العاده را در نظر محکم که گذاشت که صلاحیت رسیدگی به این موضوع را داشته باشد در صورتیکه هنوز قانون جزائی وضع نشده و در سایر قسمت ها مردم

بی تکلیف هستند مثلا در همین جا گفته شد که دزدها و قائلین راست راست را میروند برای اینکه قانون مجازات نیست چطور شده است که آن ها باید راست راست راه بروند

اما اگر کسی علامت صنعتی دیگری را اختیار نماید او را بگیرند حبس کنند اگر تخلف از چنین قانونی که اول گفتند اجمع سرمایه داران و پول میدهان گره مجازات چنین متغلی را بیشتر از قائل و سارق حساب می کنند گمان میکنم این طور صحیح نباشد و اگر مجازات باید برای کلبه خلافکاران همین شود بنابراین فراموش شدن چیزهای دیگر چیز بی است

بعلاوه مجدداً عرض میکنم که در یک جا گفته شد این ترتیب برای این است که سرمایه داران يك استفاده از دولت میکنند و بنابراین خوب است يك چیزی هم بدولت دهند

از آن طرف يك طبقه اصناف ضعیفی هستند که حس رافت بآنها پیشش آمده و باین حال يك چاقوساز و قتیکه علامت صنعتی چاقوساز دیگری را اختیار کرد و تقلب نمود شاید بآن چاقوساز اولی پنج تومان ضرری خورد و آمده اند در اینجا سیصد تومان جریمه برایش معین کرده اند و اگر يك شخصی سیصد تومان عین مال کسیرا سرفرت کرده باشد

گفته آقایان در همین مجلس چون مجازات نداریم باید راست راست راه برود. این کوه و دریش یهن است رئیس - آقای عدل الملك (اجازه)

عادل الملك در اغلب صنایع سرمایه تاجر فن و شهرت اوست یکی از آقایان که گویا نمایند محترم بزد بودند میگفتند خا در بزد يك معال التجاره است که باطراف می برند و می فروشند

ولی يك تجارخانه مارک آن را مبلغ گزافی فروخت و مبلغی به عنوان حق شهرت خودش از تجارت خانه دیگر گرفت مثلا نورین يك ورزشی مخصوصی است که منافع کثیره میبرد بیشتر سبب شهرت او شده است

وقتی که در صنعت و علامت صنعتی او تزویر و تقلب شد بآنها تخلف او خیلی ضرری زند و ممکن است يك تجارخانه بکلی افتاد شود یعنی تمام منافع و عایدی که از حسن شهرت دارد از بین برود

بنده در کمیسیون هم که بودم مدافع بودم و میگفتم این مجازات خفیف است و تقلب و تزویر که می شود تجار را خیلی متضرر می کند و حداقل این مجازات درست ولی حد اکثر آن کم است و بالاخره چون تقلب و تزویر باعث فتنای تجارت خانه است

باید برای متخلف مجازات شدیدی

کرد و این يك مجازاتی است که قدر خفیف و کثیری دارد که ممکن است معکله در موقع خودش جهات مختلفه را ملاحظه کند و همانطور که آقای تدین فرمودند حالا که ما قانون مجازات نداریم چرا از جزئیات آن مضایقه می کنیم

بنابر این خوب است در قوانین مجازاتها را پیش بینی کنیم بعد که قانون مجازات آمد آنها را در تحت عنوان کلی اصول چنین متغلی را بیشتر از قائل و سارق حساب می کنند گمان میکنم این طور صحیح نباشد و اگر مجازات باید برای کلبه خلافکاران همین شود بنابراین فراموش شدن چیزهای دیگر چیز بی است

بنده عرض می کنم که اینها را در موقع ماده بندی قانون مجازات ممکن است معین کرد و وجه حل دارد برای اینکه اگر يك مجازات خفیف و کثیری پیدا شد وقتی قانون مجازات وضع می کنند آن - مجازات را تقسیم بعد اقل و اکثر جرم می کنند و ما این حداقل و اکثر تناسبی است که قاضی میتواند مخففات جرم پای چیزی را که اسباب شدت جرم است رعایت کند و بعقد بنده این مجازات خیلی معتدل است و هیچ بیایی هم ندارد

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است - و بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایان یک مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند

(اکثر نمایندگان برخاستند) رئیس - معلوم میشود کافی است پیش نهاد آقای طهرانی قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده مزبور به این نحو اصلاح شود

اشخاصیکه برخلاف ماده ۱۰۰ اعلامی را استعمال نمودند مجازات آنها مجازات متقلب و مزور خواهد بود رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت میشود

باین ترتیب خوانده شد پیشنهاد می کنم بجای ماده دوازدهم نوشته شود

اشخاصیکه برخلاف ماده ۱۰۰ اعلامی را استعمال نمودند بمجازات متقلب و مزور مجازات خواهند شد تبصره - در صورت تقاضای مدعی مرتکب بتأدیه خسارات وارده محکوم خواهد شد

رئیس - آقای طهرانی (اجازه) آقا شیخ محمد علی تهرانی - توضیحات بنده همان بود که عرض کردم و بنظر بنده اینها مطالعه شده و گفته شد که صنعتگر حبس میشود چه میشود و باید حفظ حقوق صنعتگر

و تأیر بشود و من مخالف هستم که يك ماده وضع شود برای يك رشته تقلب و تزویر و یک ماده دیگری وضع بشود برای کلبه تقلب و تزویر که این مواد باهم متفاوت باشند و تعجب میکنم از اینکه آقایان اصلا خیال ندارند قانون مجازات را بگذارند و قانون جزا از این مجلس خارج شود تا اینکه کلبه متقلبین جنایت کاران تعقیب و به مجازات برسند

و ما که این جا نشستیم - باید تصمیم بگیریم که قانون جزای عمومی قانون جزای عرفی یا مملکتی یا دولتی از مجلس بگذرد و ما این افتخار را ببریم والا این عنوان که قانون نداریم و در این دوره هم نمیتوانیم قانون وضع کنیم بنظر بنده خیلی کوچک است و ما باید قانون جزای دولتی را از عدلیه بخواهیم و به فوریت تصویب کنیم و به هم دست دولت که بوقوع اجرا بگذارد و این قانون اعلام صنعتی هم که يك ماده دارد که مفاد آن این است که این قانون بمذاکرات ماه یا يك سال دیگر به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و تا آن وقت يك سال دیگر هم ما نمیتوانیم قانون جزای عرفی را وضع کنیم و بدست دولت بدهیم

رئیس - آقای مدرس (اجازه) مدرس - متقلب و مزور انواع و اقسام دارد بعضیش فقط تقصیر خصوصی است و بعضیش تقصیر عمومی است و بعضی دارای هردو جنبه است و در این قانون چون نظر به مصالح عمومی و اقتصاد ملی است اینها اگر مدعی خصوصی هم که خسارت باز وارد شده است دعوی نکنند ممکن است او را متقلب و مزور حساب کنند و مجازات بنمایند

این پیشنهاد بنده دوجزه دارد يك جزئیات متعلق به تقصیر عمومی است کاین شخص جزه متقلب و مزور محسوب و از برای متقلب و مزور يك مجازاتی معین است و برآیه معین خواهد شد و يك جهت خصوصی هم دارد که آقایان خیال میکنند این مجازات که برای متقلب منظور شده است بواسطه ضرری است که بکسی زده است

نه بهر کس ضرر زد اگر مدعی مطالبه کرد و ضرری که باو وارد آمد است ثابت کرد میگیرند و باو میدهند است ثانی پیشنهاد شده برای ملاحظه این شخص است نه بملاحظه مصالح عامه بنده اینها عرض میکنم این مجازاتی را که اینها معین کرده اند با نسخ مجازاتی که شاید برای متقلب و مزور معین شود اختلاف دارد و

به عقیده بنده بعضی چیز های آن شاید مناسب باشد و بعضی چیزهای دیگر آن شاید مناسب نباشد والا هم مرسوم است متقلب و مزور و کاند ساز را بگیرند و با آنها هم يك کارهایی می کنند و در این قانون هم نوشته شده است که بعد از شش ماه یا يك سال بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و بدین مقدمه که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه یا مجلس داده خواهد شد

لذا لازم نیست که اینجا ببالخصوص يك مجازاتی معین کنیم که بعد مورد اشکال بشود و اگر آقایان قبول کنند این را از جهت خسارت عمومی از مصادیق متقلب و مزور بشمارند و از جهت خسارت شخصی هم اگر مدعی ادعا کرد بگیرند و بدهند این است عقیده بنده حالا آقایان معتقدند

مخبر - در اینجا آن چیزیکه آقای طهرانی پیشنهاد فرمودند و مذاکراتیکه در اطراف این ماده شد هیچ معلوم نشد که مقصود چیست و کسانی که مخالف باین ماده بودند هیچ نگفتند که این مجازات کم است باز یاد است فقط بطور کلی يك مذاکراتی شد حالا از این مسئله می گذریم و میآیم سر پیشنهاد این مسئله که گفته میشود قانون جزای عرفی شاید در آتیه بمجلس بیاورد بالاخره باین ملاحظه باید دست جزائی را از اینجا برداریم و بگوئیم چون تا آن وقت متخلف در این شهر هست اینها هم باید همانطور باشد این منطق قوی نیست

اما در این ماده نوشته شده است کسانی که يك علامت تقلبی درست کنند از دوازده تا يكسال حبس و از فلان مبلغ تا فلان مبلغ جزای نقدی خواهد داشت و این هم بسته بنظر محکمه مربوطه است

حالا ما میآئیم میگوئیم که ما دلمان میخواهد قانون جزای عرفی بمجلس بیاید آیا آن کتاب بآن ضمیمی زایک روزه میتوانیم بگذاریم و تکلیف ار برای متخلف معین کنیم

پس بهتر این است این قانون را اجرا کنند تا قانون جزا وضع بشود قانون جزای عرفی هم ماده باده تصویب میشود وقتی آن قانون وضع شد این ماده هم یکی از مواد آن خواهد شد

الان که این ماده میخواهد بگذرد آقای طهرانی میخواهد این طور جلوی این ماده را بگیرند از کجا میدانند فردا در سر آن قانون در هر ماده اش اینطور مقاومت نشود پس اگر علاقه مندید باین قدهائی که مملکت را متناهی پیش ببرد این ماده را که نسبت بآن قانون جزای عرفی نمونه است و معلوم میکنم که روح مناسب بآن قانون جزای عرفی چطور است این را ممتل نگذاریم و تصویب کنیم والا از کجا

به عقیده بنده بعضی چیز های آن شاید مناسب باشد و بعضی چیزهای دیگر آن شاید مناسب نباشد والا هم مرسوم است متقلب و مزور و کاند ساز را بگیرند و با آنها هم يك کارهایی می کنند و در این قانون هم نوشته شده است که بعد از شش ماه یا يك سال بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و بدین مقدمه که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه یا مجلس داده خواهد شد

لذا لازم نیست که اینجا ببالخصوص يك مجازاتی معین کنیم که بعد مورد اشکال بشود و اگر آقایان قبول کنند این را از جهت خسارت عمومی از مصادیق متقلب و مزور بشمارند و از جهت خسارت شخصی هم اگر مدعی ادعا کرد بگیرند و بدهند این است عقیده بنده حالا آقایان معتقدند

مخبر - در اینجا آن چیزیکه آقای طهرانی پیشنهاد فرمودند و مذاکراتیکه در اطراف این ماده شد هیچ معلوم نشد که مقصود چیست و کسانی که مخالف باین ماده بودند هیچ نگفتند که این مجازات کم است باز یاد است فقط بطور کلی يك مذاکراتی شد حالا از این مسئله می گذریم و میآیم سر پیشنهاد این مسئله که گفته میشود قانون جزای عرفی شاید در آتیه بمجلس بیاورد بالاخره باین ملاحظه باید دست جزائی را از اینجا برداریم و بگوئیم چون تا آن وقت متخلف در این شهر هست اینها هم باید همانطور باشد این منطق قوی نیست

اما در این ماده نوشته شده است کسانی که يك علامت تقلبی درست کنند از دوازده تا يكسال حبس و از فلان مبلغ تا فلان مبلغ جزای نقدی خواهد داشت و این هم بسته بنظر محکمه مربوطه است

حالا ما میآئیم میگوئیم که ما دلمان میخواهد قانون جزای عرفی بمجلس بیاید آیا آن کتاب بآن ضمیمی زایک روزه میتوانیم بگذاریم و تکلیف ار برای متخلف معین کنیم

پس بهتر این است این قانون را اجرا کنند تا قانون جزا وضع بشود قانون جزای عرفی هم ماده باده تصویب میشود وقتی آن قانون وضع شد این ماده هم یکی از مواد آن خواهد شد

الان که این ماده میخواهد بگذرد آقای طهرانی میخواهد این طور جلوی این ماده را بگیرند از کجا میدانند فردا در سر آن قانون در هر ماده اش اینطور مقاومت نشود پس اگر علاقه مندید باین قدهائی که مملکت را متناهی پیش ببرد این ماده را که نسبت بآن قانون جزای عرفی نمونه است و معلوم میکنم که روح مناسب بآن قانون جزای عرفی چطور است این را ممتل نگذاریم و تصویب کنیم والا از کجا

به عقیده بنده بعضی چیز های آن شاید مناسب باشد و بعضی چیزهای دیگر آن شاید مناسب نباشد والا هم مرسوم است متقلب و مزور و کاند ساز را بگیرند و با آنها هم يك کارهایی می کنند و در این قانون هم نوشته شده است که بعد از شش ماه یا يك سال بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و بدین مقدمه که تا آن موقع ترتیب مجازات متقلب و مزور هم در کمیسیون عدلیه یا مجلس داده خواهد شد

لذا لازم نیست که اینجا ببالخصوص يك مجازاتی معین کنیم که بعد مورد اشکال بشود و اگر آقایان قبول کنند این را از جهت خسارت عمومی از مصادیق متقلب و مزور بشمارند و از جهت خسارت شخصی هم اگر مدعی ادعا کرد بگیرند و بدهند این است عقیده بنده حالا آقایان معتقدند

مخبر - در اینجا آن چیزیکه آقای طهرانی پیشنهاد فرمودند و مذاکراتیکه در اطراف این ماده شد هیچ معلوم نشد که مقصود چیست و کسانی که مخالف باین ماده بودند هیچ نگفتند که این مجازات کم است باز یاد است فقط بطور کلی يك مذاکراتی شد حالا از این مسئله می گذریم و میآیم سر پیشنهاد این مسئله که گفته میشود قانون جزای عرفی شاید در آتیه بمجلس بیاورد بالاخره باین ملاحظه باید دست جزائی را از اینجا برداریم و بگوئیم چون تا آن وقت متخلف در این شهر هست اینها هم باید همانطور باشد این منطق قوی نیست

اما در این ماده نوشته شده است کسانی که يك علامت تقلبی درست کنند از دوازده تا يكسال حبس و از فلان مبلغ تا فلان مبلغ جزای نقدی خواهد داشت و این هم بسته بنظر محکمه مربوطه است

حالا ما میآئیم میگوئیم که ما دلمان میخواهد قانون جزای عرفی بمجلس بیاید آیا آن کتاب بآن ضمیمی زایک روزه میتوانیم بگذاریم و تکلیف ار برای متخلف معین کنیم

صفحه ۵۰۷

که برای آن قانون هم کلمه بکلمه ممتل نشویم

بنده میخواهم زیاد توضیح بدهم و در این ماده نوشته شده است که اگر يك نمبر مارک تقلبی درست کرد بنظر محکمه مربوطه که افراد آن طرف اعتماد هستند بده روز الی يكسال حبس محکوم میشود حالا ما میآئیم جلو این ماده را محکم بگیریم و بگوئیم فردا سیصد یا چهارصد ماده قانون جزای عرفی را تصویب می کنیم در صورتیکه باید ماده ب ماده و قدم قدم پیش برویم و این قسمت هائیکه مربوط بزینش اخلاق عمومی است باشد بدترین اصلاها بآن مقاومت کنیم و نباید بگوئیم حالا ده نفر متقلب هست این هم یکی از آنها باشد تا اینکه قانون جزا به مجلس بیاید و تصویب شود و اگر ما باین شکل بخواهیم پیش برویم بنده معتقدم که آن قانون شاید مذاکره در هر ماده اش شش ماه طول بکشد

مدرس - جزای نقدی فلسفه ندارد و اگر صد بار هم رای بدهید فلسفه ندارد

رئیس - آقای دست غیب پیشنهاد کردند

تنفس داده شود (جمعی از نمایندگان مخالفت نمودند) رئیس - رای میگیریم برای تنفس آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (همه قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رای گرفته می شود به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای طهرانی ... آقای شیخ محمد طهرانی - چون پیشنهاد ادبانه در ضمن پیشنهاد آقای مدرس است پیشنهاد آقای مدرس را قبول میکنم

رئیس - پس میگیرید آقای شیخ محمد علی طهرانی - بلی مدرس - پس اجازه بدهید که من يك توضیحی در مقابل آقای مخبر بدهم

رئیس - اجازه بدهم مدرس - میخواهم عرض کنم این مجازاتی را که این جامعین کرده اند جزای نقدی آن فلسفه ندارد

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(همه قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد دیگری هم آقای کازرونی کرده اند و در سابق عین ایسن پیشنهاد جناب عالی را آقای هرمزی پیش نهاد کردند و

کازرونی - بنده حالا پیشنهاد کردم رئیس - پیشنهاد آقای زعیب قرائت می شود (بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که عبارت از مبلغ ده تومان الی سیصد تومان به صندوق دولت معانی دادنی خواهد بود از ماده دوازده حذف شود

رئیس - آقای زعیب (اجازه) زعیب - بنده نمی خواهم داخل فلسفه تولستوی بشوم که می گوید مقصود وجود ندارد و محیط اشخاص را که کارهای بد میکنند تولید می کنند ولی این قاعده کلی است يك محکمه آدمیکه به تقلب و تزویر مبادرت میورزد از يك راه الهجائی است که اگر محکمه بخواید بعدالت فضاوت کند شاید نتواند کار کند

حالا اگر يك کسی آمد و يك علامت صنعتی را بطور تقلب جعل کرد این آدم را نباید به طرف اعدام کشید

بنده پیشنهادم را يك اصلاح دیگری مینمایم و بعد تقدیم میکنم و آن این است که بنده از سه ماه الی سه سال حبس را زیاد میدانم

چطور ممکن است يك آدمی سه سال توی حبس بماند باید فکرش را کرد که چطور ممکن است يك آدمی يك نفر از نوع بشر که دارای عاقله و وزن و بجه است سه سال توی حبس بماند

مخبر - آقا افکار عمومی مجلس را خراب میکنید سه سال حبس معین نشده است از دوازده روز الی يكسال است

زعیب - يك سال را هم من زیاد میدانم و من میخواهم پیش نهاد کنم از پنج روز الی شش ماه و این منتهی درجه است که ممکن است يك نفر را در حبس نگاهداشت و از زندگی اش از دیدن روی عاقله اش و از خوردن يك هوای آزادی او را محروم کرده اضافه گرفتن پول از يك نفر محسوس چه معنی دارد

باید فکر کرد زیر اوقتی داخل عمل شویم می فهمیم علامت صنعتی که برای آن چیزهای بزرگ ساخته میشود آیا همچو چیزی در مملکت ما وجود پیدا میکند بقول آقای علامت کارخانه بزرگی مثل نوربک و ورشو سازی است این را دیگر نمیشود اعلام صنعتی تقلبی برایش درست کرد این برای اعلام صنعتی کوچک است که آقای تدین گفتند

برای این طور صنعتها ممکن است يك علامت صنعتی تقلبی ساخت ممکن است در این هابك تقلبی شود بملازه آدمیرا که میگیرند و حبس میکنند این آدم ندارد که بگویند از ده تومان تا سیصد تومان جریمه بشود با اضافه مناسبت هم ندارند از يك آدم متقلب بواسطه تقلبی که کرده است و ترفی صنعت را جلو گرفته است و باید حبسش کنند پول گرفتن و به

صندوق دولت دادن این عایدی معنی ندارد

بنده پیشنهاد میکنم که اصلاحه نقدی بگیرند و مدت حبس هم از پنج روز تا شش ماه بیشتر نباشد

رئیس - رای میگیریم قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(همه قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم از دوازده روز الی چهار ماه حبس شود بنظر محکمه

رئیس - بفرمائید

مصدق الملک میرزا شیخ الرئیس - موضوع مغلوط میشود بعضی از آقایان که نظر دارند در زیاد بودن مجازات بنده عرض میکنم باید مجازات ها باهم متناسب باشد و باید يك تناسبی برای مجازاتها قائل شد

جزائی که در ماده ۴۷ قانون انتخابات است و غالب آقایان در نظر دارند میگوید تهدید میکنند در رای که اساس کار مملکت است و وکالت که اساس مجلس است و مجلس که اساس قانون گذاری است میگویند از سه ماه الی يكسال حبس باشد ولی نسبت باین چیز کوچکی که هیچ قابل اهمیت نیست چطور میشود گفت از ده روز الی يكسال حبس شود

بنده از این مدت را زیاد میدانم و مخالفم برای اینکه متناسب نیست

رئیس - آقای سرکشك زاده جزو کمیسیون هستند سرکشك براده خیر رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(همه قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای مصدق الملک قرائت میشود (بهضمون ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ اینطور اصلاح شود

متخلف از مفاد ماده ۱۱ در محکمه صالحه از طرف مدعی خصوصی یا مدعی العمومی تعقیب و مواقی جزای عرفی مجازات خواهد شد رئیس - بفرمائید

مصدق الملک - بنده توضیحی ندارم زیرا این مسئله روشن است و محتاج به توضیح نیست آقای مدرس هم کاملاً توضیحات دادند

رئیس - رای میگیریم قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

دوره پنجم

(عده کمی برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داود قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم مجازات ماده ۱۲ از يك ماه تا يكسال شود

رئیس - بفرمائید

داور - بنده مخصوصاً این پیشنهاد را کردم که بتوانم عقیده خود را اظهار کنم و علاقه هم ندارم که این پیشنهاد قبول شود

در این جا دو قسم مذاکره شد كوقتی همه اینها را جمع کنیم مثل اینست که ما میل داریم مسائل را به امروز و فردا بگذاریم

آیا واقفاً مسئله قانون مجازات و حبس و جزا باید بالاخره يك روزی در مملکت در تحت نظم و ترتیبی در بیاید یا خیر اگر باید بیاید پس باین دلالتی که عرض شد نباید آمد و این ماده را رد کرد در صورتی که امروز يك موضوع مهمی است و بالاخره در دهه جای دنیا که قوانین شان مرتب تر است وقتی يك قانونی وضع میشود مثل این قانون مجازاتش را هم در آن قانون پیش بینی میکنند نه اینکه مجازات را بآتیه موکول کنند

البته وقتی که قانون جزا بسور منظم ترتیب داده شد این هم یکی از موادی است که داخل در آن میشود

اما راجع باینکه چرا از يك ماه الی يكسال باید حبس شود وقتی که يك کسی نسبت بیک جامعه خیانت کرد شما این را میخواهید بگذارید برای آتیه تا باز تصدیقات خودش را ادامه بدهد در صورتی که باید این شخص را بگیرند و حبس کنند که مدنی جامعه از شرش خلاص شده و سایرین هم متنبه شوند

شما فکر آن اشخاصی را که بواسطه این تقلبات متضرر میشوند نمیکند فقط فکر این را میکنید که چطور میشود ۳ سال حبس کرد حبس ده سال و بیست سال هم میشود

زعیب - غلط است داور - شما بفرمائید غلط است بنده میگویم صحیح است

بنده مطابق تمام تجربه هائی که آن ممالکی که میخواهند امور مملکتشان منظم باشد و بالاخره دیدند که میبایستی اینکارها را بکنند عرض میکنم

رئیس - رای گرفته میشود داور - بنده پیشنهادم را پس میگیرم مقصودم حرف زدن بود

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی - قرائت میشود (اینطور خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود متخلف بمحکم صالحه جلب و مطابق قانون

مجازات خواهد شد و نیز هر مبلغ ضرر شخصی صاحب حقیقی امتیاز وارد آمده باشد گرفته و باو داده خواهد شد.

رئیس - بفرماید.

کازرونی - بنده خیلی متأسف هستم که در گفتار خودمان همیشه بیرامون افراق میکردیم.

گاهی گفته میشود يك قانونی است مال سرمایه دارها و میخواهد سلب يك حقی از دولت بشود.

رئیس - آقا بطور اختصار حرف بزنید.

کازرونی - چشم. گاهی گفته میشود که این متعلق است بلوکین فروشها و بدبخت ها و میخواهم حفظ حقوق آنها را بکنم.

بنده تصدیق میکنم که این بنده متعلق است باشخاص بی بنیه بی بضاعت و باید مجازات هم متناسب با حال آنها باشد علاوه مجازاتی را که ما معین میکنیم اگر اگر چنانچه يك نفر آدم تقصیری کرد از سطح معین انصیر است.

مواردش فرق میکند در يك جا باید سبب تومان در يكجا باید صد تومان باشد بنا بر این متناسب ندارد بنده عرض میکنم قانون پابستی نسبت بتمام افراد مساوی باشد.

آدمی که در اینجا تخلف میکند همان طور که آقایان توضیح دادند يك قسمتش راجع بخصش است که خسارت نسبت بآن شخص وارد شده

البته باید گرفته شود و صاحبش داده شود و آنچه راجع بقسمت عمومی است که تخلف از قانون شده است باید جلب به محکمه شود و بر طبق قوانین محبوس شود مثل تصیریاتی که مردم بجامه کرده اند و مجازات هم نباشد این را بگیرند و مجازات هم بکنند

رئیس - آقایانی که اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

رئیس - میگیریم، ماده دوازدهم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل ویس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس قرائت میشود:

(اینطور قرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم که دوسیه بود اغناس هینا را در مجلس علنی به تمامه خوانده شود یا در جراند محلی درج شود تا عامه مستعضر شوند.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریتمدار دامغانی - بنده اگر چه اساساً و بدو با قضیه بود اغناس مخالف بودم و رای هم ندادم لیکن پس از رای دادن حالا در آن دوسیه در مجلس و خواندن و در جراند درج شدن تصور نمیکند هیچ يك از نظریات و مقاصد شاهزاده شیخ الرئیس را تأمین کنند.

زیرا کاری است که شده و تصویب هم نموده و يك سوء انکاس و سوء تفاهمی هم حاصل شده.

حالا این سوء انکاس و سوء تفاهم از کجا ناشی شده معلوم نیست به عقیده بنده چون آنروز مذاکرات کافی شد و رای دادند دلایل اقلیت و اکثریت گفته نشد و انکار مخالف و موافق معلوم نشد از این جهت سوء انکاس حاصل شد.

اگر يك وقتی اکثریت رای اقلیت را خفه می کند افکار اقلیت را ناپدید کند یعنی اگر يك کسی مخالف بود باید گفتش را اظهار کند و تبادل افکار شود آن وقت رای بگیرند نه اینکه يك وقت يك مسئله طرح شود و برود مذاکرات کفافی البته این سوء انکاسات اتفاق می افتد حالا اگر این دوسیه در مجلس خوانده شود گمان میکنم عذر بدتر از کنا است زیرا نمی شود گفت حالا بعد از عمل مطالعه شده است.

البته باید قیام مطالعه شده باشد و دولت باید بیشتر از این در این نوع مطالب مطالعه کرده باشد مجلس هم مطالعه بکند آن وقت رای میدهد اول باید مضامین در قضیه بشود آن وقت رای بدهند اما در جراندش باز گمان میکنم آن خیال و آن سوء تفاهم را رفع نمی کنند.

برای اینکه وقتی در جراند درج شد چه اطمینانی وجه فتاوی هست که همین دوسیه طبع شده باشد بدون اینکه روابطی از آنها حذف شده باشد و محظور افکار عامه ببايد معاش شود که عین دوسیه با روابط آن درج شده است

چون خواننده هم این قدر اطمینان ندارد که حتماً تمام دوسیه درج شده باشد از این جهت مقاصد عامه را تأمین نخواهد کرد.

بنا بر این بنده تصور میکنم هر دو قسم این پیش نهاد هیچ اثری نخواهد داشت.

رئیس آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - بنده خیال می کردم محتاج بتوضیح نیست ولی فرمایشات آقای دامغانی بنده را مجبور کرد يك توضیحاتی بدهم.

اولاً موضوع در این نیست که این قسمت

در رای موثر باشد یا اینکه ما بخواهیم امروز مطالعه کرده باشیم خیر بنده که یکی از رای دهندگان بودم با کمال اطمینانی که داشتم رای دادم و اکثر آقایان هم شخصاً از قضیه مطلع شده اند یا بواسطه اعتماد برفقای خودشان که در کمیسیون بودند این رای را دادند و هنوزم

يك نفر از نمایندگان را ندیدم که بیاید رای خود را تردید کند.

آقای دامغانی بفرمایند بنده با اینکه رای ندادم عقیده باین پیشنهاد ندارم و بنده که یکی از رای دهندگان هستم اگر دوسیه هم جای شود بر اطلاعات بنده چیزی نخواهد افزود

این را یکی از مطالب مهمه میدانم نه تنها این را بلکه تمام مضامین را که در این دوره باقی رونا تمام مانده باید ختم شود و مطالب معلوم شود

امروز و فردا کردن کارها بمجرد اینکه سوء تفاهم با سوء تفاهم میشود ابتدا مسئولیت يك وکیل را گمان نمیکند سلب وکیل مسئول است و در حدود عقیده خودش آزاد است که رای خودش را نقیاً یا اثباتاً بدهد و تصور نکنند که در خارج سوء تفاهم میشود یا نمیشود

مقصود بنده این بود. البته از چندین سال قبل آقایان بخاطر دارند.

دردوره اول و دوم خیلی از مجالس سری تشکیل میدادند و بعد در خارج چیزهای گفته میشد و انتشاراتی میدادند اول کسی که این مطلب را خیلی حد کردند که موقوف شود آقای مؤتمن الملک بودند که از بدو ریاستشان جدا کردند که مجلس های سری منعقد نشود تا اینکه سوء تفاهمی در خارج تولید نشود و بنده هم همین عقیده را همیشه دارم و عقیده ام اینست که باید تمام مطالبی را که افراد ملت ذی نفع هستند حتی الامکان مادام که مضرات اساسی برش مترتب نشود

باید هم بدانند هر کسی ذمه لایحه است باید بدانند که در مملکت بودجه که خرج میشود چگونه خرج میشود و اگر پولی گرفته میشود یا اگر مالیاتی وضع می شود بچه دلیل میشود

یا اگر فلان وکیل مخالفت با فلان ماده میکند بچه دلیل است این در ددی درمان که حاصل شده است بواسطه انداختن روزنامه رسمی است

که ادله که از طرفین اقامه میشود در آنجا درج شود ولی چون جانی نوشته نمی شود فایده برایش مترتب نیست و چون در این قضیه بعضی آقایان گفتند حکم ملایم کرده است و احتمالاتی دادند که مردم متقاعد و مایلند که این قضیه را مطلع شوند نه اینکه از نقطه نظر سوء تفاهم

زیرا بنده هم در هیچ يك از مجالس و محافل رسمی سوء تفاهمی ندیدم و عقیده ام این است چون مضرات سیاسی در آنجا نمی بینم و دولت های مقتدر و اشخاص مهمی که طرف اعتماد مجالس گذشته بودند در این امر دخاله داشته اند

عقیده دارم این مطلب طرح شود تا مردم بدانند که اشخاصی که رای داده اند با کمال اطمینان قلب رای داده اند چون جزء مطالب اساسی مملکت فرض کرده اند و ابتدا تردیدی بخاطرشان رخ نداده حالاً اگر بواسطه کارهای مهمه چند روز گذشته است و يك قدری دیر شده است بنظر آقایان با این ترتیب رای که بنده پیشنهاد کرده ام خیلی لازم نمی آید که در جراید نوشته شود یا در مجلس قرائت شود.

ممکن است در تحقیق این حقوق بیش نهادانی شود بطور اختصار درج شود یا بشامه هر قسمتی آقایان صلاح بدانند بنده ممکن است از ترتیب پیشنهاد خود صرف نظر کنم والا مقصود بنده این است مطالبی را مردم مشتاقند به همین آن وضو اساسی هم نداشته باشد

البته باید منتشر شود که مردم بدانند و جای سوء تفاهم باقی نماند و اشخاصی که در خارج مخالف هستند نتوانند يك نسبت همی بدهند که از زبان رامشوب نمایند و البته رای دهندگان هم هیچ تردیدی ندارند و بنده هم با کمال اطمینان رای دادم و جزء مصالح مهمه مملکت میدانم و اگر دو گروه هم پیشنهاد میکردند شاید رای میدادم

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - آقای شریتمدار پیشنهادی راجع بختم جلسه کرده اند دو فقره پیش نهاد هم شده است ولی عرض میکنم که پیش نهاد بر مطلب هنوز تکلفش معلوم نشده است

پیشنهاد شاهزاده هم بطور تردید نوشته شده باید يك چیزی تصریح نوشته شود.

شیخ الرئیس - بنده عرض میکنم هر کدام را مجلس قبول کند مزایم و تردید ندارم.

رئیس - بنده چشم - سوز رای بگیریم؟

محمد هاشم میرزا - تجزیه بفرمایند.

رئیس - خودتان باید تقاضا بفرمایند.

شیخ الرئیس - بنده تقاضای نمیکنم.

رئیس - آئی میگیریم بقسمت اول.

مدیرس - خوب است همه پیشنهادها را بخوانند

رئیس - نمسئ توانیم رای بگیریم.

مدیرس - خواندنش هم نمی شود؟

رئیس - آقایانی که قسمت اول را تصویب میکنند یعنی در مجلس قرائت شود قیام فرمایند.

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

رای میگیریم بقسمت دوم که در یکی از جراند درج شود آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد اجازه می فرمایید جلسه ختم شود؟

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - جلسه آینده روز پنجشنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر

دستور اولاً لایحه مالیات تصاعدی بر عایدات

ثانیاً لایحه عوارض ورودی بلدی

آقای دست عیب

(اجازه)

دست غیب - راجع بدستور عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم از مقام محترم ریاست تقاضا کنم لایحه امتیاز عصاره سوس از کمیسیون فوائد عامه گذشته است اگر مقتضی باشد جز بدستور شود.

رئیس - در درجه سوم می شود.

آقا سید یعقوب - هم بطور لایحه دوسه ماده از قانون علائم صنعتی را تصویب کرده و يك ماده را هم رد کرده است بنابراین بنده معتقدم که همان سه دوسیم به ظهر باشد تا موفقی که مفصل باشد جلسات بصرفیافتد

زعیم - آقا بنده اصل پیشنهاد را عرض کردم توضیح ندارم

اجازه بفرمایید توضیحی عرض کنم.

رئیس - بفرمایند

زعیم - علت اینکه غالب آقایان نمایندگان ساعت سه و نیم نمیتوانند حاضر شوند برای این است که روزها کوتاه است و نمی شود حاضر شوند و بنده یقین دارم که فرض تسامح نیست و معتقدم که اگر ۳ ساعت قبل از ظهر معین شود حتماً حاضر خواهند شد.

زیرا در این روزهای کوتاه نمی شود سه ساعت و نیم قبل از ظهر حاضر شد و بنده همین جهت آن پیشنهاد سابق را تأیید میکنم که سه به ظهر شود.

آقای مدر الملک

(اجازه)

مدیر الملک - عرضی ندارم

رئیس - آقای حاجز الملک (اجازه)

حاجز الملک - عرضی ندارم

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای ذعیم (اجازه)

زعیم - هرگاه خاطر مبارک ریاست باشد در دو جلسه قبل پیشنهاد شد که موقع جلسات علنی برای سه ساعت قبل از ظهر باشد چون عده برای اخذ رای کافی نبود رای گرفته نشد حالاً چون عده کافی است برای رای بنده آن پیشنهاد را تأیید میکنم که سه بظهر جلسه تشکیل شود

رئیس - رای میگیریم

آقای سر کشیکزاده

سر کشیکزاده - بنده اساساً معتقد بودم که باید جلسات سه ساعت بعد از ظهر تشکیل شود که ما بیشتر وقت داشته باشیم پیشنهاد هم کردند آقایان مخالفت کردند بنده هم صرف نظر کردم حالاً که ساعت سه و نیم است آقایان سه ساعت بظهر می آیند دو ساعت بظهر جلسه تشکیل می شود و ظهر تمام میشود و غالباً مذاکرات هم مفصل میشود و در اطراف تقاضا بقدری بعث میشود که در يك ماده ممکن است دو ساعت صحبت بشود و بعد هم وقتی میگویند مذاکرات کافی است تازه میگویند بگویند مذاکرات کافی است امروز ملاحظه کنید مجلس چه کرده است دوسه ماده از قانون علائم صنعتی را تصویب کرده و يك ماده را هم رد کرده است بنابراین بنده معتقدم که همان سه دوسیم به ظهر باشد تا موفقی که مفصل باشد جلسات بصرفیافتد

زعیم - آقا بنده اصل پیشنهاد را عرض کردم توضیح ندارم

اجازه بفرمایید توضیحی عرض کنم.

رئیس - بفرمایند

زعیم - علت اینکه غالب آقایان نمایندگان ساعت سه و نیم نمیتوانند حاضر شوند برای این است که روزها کوتاه است و نمی شود حاضر شوند و بنده یقین دارم که فرض تسامح نیست و معتقدم که اگر ۳ ساعت قبل از ظهر معین شود حتماً حاضر خواهند شد.

زیرا در این روزهای کوتاه نمی شود سه ساعت و نیم قبل از ظهر حاضر شد و بنده همین جهت آن پیشنهاد سابق را تأیید میکنم که سه به ظهر شود.

رئیس - رای میگیریم برای سه قبل از ظهر تصویب کنندگان قیام فرمایند

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد جلسه را ختم میکنم.

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک

منشی علی اقبال الملک

منشی - معظم السلطان

جلسه ۷۸

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه چهاردهم عقرب یک هزار و سیصد و سه مطابق هشتم ربیع - الثاني یک هزار و سیصد و چهل و سه

مجلس یک ساعت و سه ربع قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم سه شنبه دوازدهم عقرب را آقای اقبال الملک قرائت نمودند)

رئیس - آقای ناصر الاسلام (اجازه)

ناصر الاسلام - بنده راجع غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده استعجازه کرده بودم

رئیس - شاید کمیسیون اجازه نداده باشد آقای غلامحسین میرزا

(اجازه)

غلامحسین میرزا - بنده راجع دیر آمدن گان بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده دیر نیامدم و سر وقت آمده بودم

رئیس - آقای سردار معتمد (اجازه)

سردار معتمد - در صورت مجلس بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی که بنده جلساتی را که قیام کرده بودم از مقام ریاست کتیباً استعجازه کرده بودم چون ناخوش و مریض بودم استعفا دارم مقرر فرمایند اصلاح شود

رئیس - علت تحقیق میشود.

آقای میرزا عبدالله خان (اجازه)

آقای میرزا عبدالله خان - بنده در صورت مجلس عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم

رئیس - نسبت بصورت مجلس دیگر ایرادی نیست؟

رئیس - آقای آقامیرزا عبدالله خان (اجازه)

آقامیرزا عبدالله خان - در چندین جلسات قبل از طرف نمایندگان محترم راجع بامور زراعتی پیشنهادهایی تقدیم شده و هم بطور يك پیشنهادی هم بنده بمقام ریاست تقدیم کردم که دو جمله بود يك جمله راجع بفالسه جات بود که از طرف وزارت مالیه نسبتاً اقداماتی بعمل آمده جمله دیگر راجع بمالکین بود که موضوع خیلی اهمیت دارد

چون بنده هم يك نفر رعیت هستم خوب اطلاع دارم که این مسئله در آیه تولید اشکال خواهد کرد و يك منظره خطرناکی را نشان خواهد داد

این است که از مقام محترم ریاست استعفا میکنم امر مقرر فرمایند آن پیشنهاد قرائت شود که نسبت بمالکین مساعدتی بعمل آید چون قسمت عمده مالکین بندر ندارند از طرفی هم مأمورین دولت بآنها فشار میآورند.

رئیس - پیشنهاد شما مراجعه شده است بکمیسیون از کمیسیون که برگشت قرائت میشود

آقامیرزا عبدالله خان - استعفا میکنم قرائت شود

رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - پیشنهاد آقای آقا میرزا عبدالله خان آمد بکمیسیون از طرف هم نماینده وزارت مالیه خواستم و مذاکره کردم راجع بفالسه جات که اقدامات لازمه دادند که مفتش فرستادند باندازه نکتی که برزاعت و او آمده است از قرار صد بیست و صد سی و صد پنجاه باختلاف تصنیف مالیاتی منظور کرده اند اطلاعاً عرض شد

رئیس - کمیسیون راپورت داده است؟

ضیاء الواعظین - کمیسیون هنوز راپورت نداده است تقدیم خواهد کرد

رئیس - هر وقت راپورت داده شد در انتقابات برین روز فقط دو نفر انتخاب شده اند آقای تقی زاده با ۶۰ رای برای کمیسیون معارف و آقای سردار عشاير با ۴۰ رای برای کمیسیون داخله کسری که باید انتخاب شود.

سه نفر برای کمیسیون نفت و یک نفر برای نظام دو نفر برای داخله و یک نفر برای معارف و یک نفر برای عدلیه. آقای سردار عشاير

(اجازه)

سردار عشاير - چون کمیسیون داخله کارش فوق العاده زیاد است و بنده هم کسالت مزاج دارم استعفا میدهم

رئیس - طرح پیشنهادی آقای

داده‌های مطر است (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی اجازه میدهد که وزارت معارف عدم تخصص نماید تا کتب مختلفه علمی و فنی را ازالته مختلفه ترجمه کرده و طبع و نشر نمایند .

موقوف مترجمین و مخارج طبع و نشر باید از محل اعتبار معمولی دولت بنظرارت تامه وزارت مالیه پرداخته شود

رئیس - کمیسیون مبتکرات این پیشنهاد را قابل توجه دانسته است آقای آقا سید یعقوب

(اجازه) آقا سید یعقوب - بنده خواستم از مجلس سؤال کنم در واقع مقصود استفسار و فهمیدن است . وضع قانون کردن . . .

رئیس - سؤال نمیشود کرد آقا سید یعقوب - بنده مخالفم حرف نزنم ؟ بنده عرض میکنم گفتار این

این طرح فایده عملی ندارد بواسطه این که این مسئله مستلزم مخارج است و با عدم اطلاع از این که معنی برای خرجی معین شده باشد برای وضع این قانون جز اینکه

وقت تلف کرده باشیم فایده دیگری نبرده ایم مانده ایم آیا برای مخارج این مسئله معنی در وزارت معارف هست که موقع اجرا

باید بانه ؟ بنده عقیده ام این است ابتدا کمیسیون بودجه یا وزارت معارف باید برای اجرای این قانون محل خرجی معین

کند بعد این طرح بیاید بمجلس و مطرح شود بلی این طرح یک مسئله عام المنفعه است و خیلی نفع دارد ولی وقتی که این قانون

بخواهد بوضع عمل بیاید و برای مخارج آن مجلسی نباشد مثل سایر قوانین که محل خرج نداشته و موقع عمل نیامده است عملی نخواهد شد

اگر محل خرجی برای اجرای این قانون معین شود و بنده هم کاملاً موافقم .

ضیاءالواظنین مخیر کمیسیون مبتکرات نظر نماینده محترم آقای آقا سید یعقوب در اینخصوص یعنی راجع طبع و نشر کتابها

و انتخاب دفتر برای ترجمه آنها فقط تکلیف فرمایشاتشان اینجا بود که باید بودجه اش

و معین کرد بعد از آن تصویب نمود موافقتی که نگاه کنیم می بینیم مهم ترین راه و

طریقی که برای آبادی مملکت و ترقی ملت در نظر آمده است همین موضوع است .

(بعضی از نمایندگان صحیح است) برای اینکه یک مکتبی که علم ندارد فقیر است همانطور شخصی که علم ندارد ولو هر قدر هم ثروت داشته باشد با فقیر است

همانطور هم مکتبی که علم ندارد هر چه هم زحمت بکشد باز فقیر است .

تعمیل ثروت هم فقط از راه ترجمه و

و طبع و ازدیاد و بیشتر کردن کتب میان مردم است .

مللی که ترقی کرده اند فقط در سایه همین مسئله بوده است . ملت آلمان که امروز در ترجمه و طبع کتب درجه اول را دارد و سایر ملل با اندازه

او کتاب ترجمه و طبع و نشر نمایند . متجاوز از سی هزار جلد کتاب بدست ملت میدهد وقتی که نگاه می کنیم می بینیم هر یک نفر از ملت آلمان در سال یک کتاب دستش می آید در صورتیکه از هر کتاب دو هزار جلد طبع کنند . . .

آقا سید یعقوب - اینها راه ما میدانیم در اصل موضوع صحبت کنید . مخیر - و حال آنکه کتابهایی هست که در سال دو میلیون و سه میلیون و بیشتر

طبع میشود ولی ما هیچ اهمیت بشرجه و طبع کتب نمیدادیم . حالا یک پیشنهاد بسیار ساده عملی از طرف آقای شریعتدار دامغانی شده

است وقتی که بنده ماده واحده را قرائت کنم تصور نمیکنم برای آقایانی اشکالی باقی بماند . ماده واحده این است .

مجلس شورای ملی اجازه میدهد که وزارت معارف عدم تخصص که کمتر از ده نفر نباشد استخدام یا کثرت نماید تا

کتب مختلفه علمی و فنی را ازالته مختلفه ترجمه کرده و طبع و نشر نمایند . مادامی که ما کتاب بیستان زیاد شد

هیچ چیز مانع بجز این واقع و حقیقی خودش نخواهد افتاد . آنوقت قسمت دیگرش میگوید :

موقوف مترجمین و مخارج طبع و نشر باید از محل اعتبار معمولی دولت بنظرارت تامه وزارت مالیه پرداخته شود .

این مسئله وقتی که در مجلس قابل توجه شد و مجلس آنرا تصویب کرد میبرد بکمیسیون قوانین مالیه و وقتی که بکمیسیون قوانین مالیه رفت و جریان خودش را طی کرد مجدداً بمجلس می آید

مجلس می شود . رئیس - آقای یاسائی (اجازه) رئیس - آقای داور (اجازه) داور - موافقم رئیس - آقای آبدادی (اجازه) دولت آبادی - بنده هم موافقم .

رئیس - آقای تدین (اجازه) تدین - بنده اصولاً مخالف با طبع و ترجمه کتب ناقصه اراالسنه خارجه بزبان فارسی نیستم و مخالف بنده از این جهت است که با مقامات مربوطه قبل از اینکه صحبت

بشود و جلب نظریه آنها بشود رأی بقابل توجه دادن صورتی ندارد

کمیسیون مبتکرات نسبت باین طرحی که پیشنهاد شده است البته بایستی از نقطه نظر معارفی با نایبند وزارت معارف داخل در صحت شود و از نقطه نظر خرج با دولت

داخل در صحت شود و جلب نظر دولت را اصولاً از نقطه نظر خرج بکنند آنوقت بیاورد بمجلس که بقابل توجه بودنش رأی داده شود .

ولی قبل از آنکه موافقت دولت را راجع باین طرح جلب کند ما بیائیم رأی بقابل توجه بودنش بدهیم بعد وزارت مالیه بگوید من امساله در بودجه محلی ندارم این چه صورتی پیدا خواهد کرد ؟ نتیجه اش

چه میشود . نتیجه اش این میشود که مجلس بکرای بقابل توجه بودن این طرح داده باشد و رأیش بلا اثر بماند .

از نقطه نظر بودجه بالاخره دولت باید موافقت کند و وزارت مالیه تصدیق کند که من اصولاً موافقم بعد بیاید بمجلس و قابل توجه بشود .

چند اشکال در ماده هست که من در تمام آنها داخل نمی شوم فقط یکی از آنها را عرض میکنم .

اینکه اینجا نوشته شده است کتب مختلفه علمی ازالته خارجه ترجمه شود . مشخص این کتب علمی چیست ؟

کتب علمی زیاد است . کتب نافع زیاد است معنی اینها چیست و هکذا چیزهای دیگر .

بنا بر این قبل از اینکه جلب نظر دولت از نقطه نظر مخارج بشود بنده مقتضی میدانم مجلس رأی بقابل توجه بودنش

بدهد عقیده بنده اینست که اگر کمیسیون مبتکرات راجع بخرج این مسئله با دولت اصولاً بگوید من حاضر ام از فلان اعتبار این خرج را بدهم بهتر است ما هم فهیده

رأی میدهم و الا بنده گمان میکنم اگر در بودجه امسال محل خرجی نباشد این رأی بلااثر بماند .

مخیر - چند مرتبه در اینخصوص در مجلس شورای ملی صحبت شده است و کمیسیون مبتکرات لازم است راجع به پیشنهادهایی که بکمیسیون میرسد بیشتر دقت کنند .

آقایان اگر درست دقت بفرمایند می بینند که کمیسیون مبتکرات بخوبی دقت میکند و اینکه بیشتر هم مطالب را بمجلس میفرستد برای این است که بیشتر کار میکند بیشتر سعی و دقت میکند بمطالب پیشنهادهایی که بکمیسیون میرسد درش دقت شده به مجلس پیشنهاد میکند .

یکی از آن مطالب همین مسئله طبع و ترجمه کتب است .

(بعضی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است جمعی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند . قیام فرمایند .

(جمعی قیام نمودند) رئیس - معلوم میشود کافی نیست . آقای ارباب کبیر و موافقت ؟

اوباب کبیر - موافقم . رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خیلی تعجب میکنم ناطقی که جواب یک کسی را میدهد هیچ متوجه بعرض اونست .

بنده میخواهم اینجا توضیح عریض خودم را بدهم تا اینکه آقای ضیاءالواظنین حمله نفرمایند که من منکر طبع و ترجمه کتب شدم .

بنده هیچوقت عرض نکرده ام که کتب علمی و نافع ترجمه و طبع و نشر نشود این را هر کس میدانند که بحال مملکت و مردم نافع است ولی عرض بنده اینست که

این مسائل را از نقطه باید در قالب عمل آورد و وجود خارجی بآنها داد . ما خیلی چیزها لازم داریم . گفته بیدرت از کرسنگی مرد گفت داشت و نخواست .

ماوقتی که محل نداریم پول نداریم از کجا باید خرج کنیم . بنده میگویم راجع با این موضوع نظر دولت را جلب کنند و پس از جلب نظر دولت این طرح را بمجلس بیاورند تا

باسلام وصولاً در آن رأی بدهیم نه اینکه یک کاری بکنیم که در موقع عمل در قدم اولش بگویند پول نیست .

ما نباید یک کاری بکنیم که وجود خارجی پیدا نکنند . بنده مخالفم برای اینست که بدون جلب نظر دولت وجود خارجی پنداندن بکنند

و الا بنده موافقم ولو از زبان چینی هم کتب را ترجمه و طبع کنند . رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - البته نمایندگان محترم در موضوعاتی که در مجلس مطرح میشود ابتدا اهمیت آن را در نظر بگیرید . اهمیت این

پیشنهاد با اندازه است که اگر من بخوام از آن مدافعه کنم مثل اینست که از روشنائی نور مدافعه کرده باشم . و اشکال تراشی و اعتراضهایی که راجع بمخارج آن میشود

بنظر بنده این قدر ها مهم نیست البته آقایان از بنده بهتر اطلاع دارند که معارف ایران از روزی در وجه ترقی گذاشت که چهار نفر فرستادند به یونان که یکی اسحق کندی

و سه نفر دیگر بودند که فلسفه و علوم یونان را ترجمه کنند و پس از آنکه زبان یونانی را یاد گرفتند و کتب یونانی را آوردند به مشرق زمین و در نتیجه ترجمه همان کتب

بود که اشخاص نامی که تاریخ ما را اسم آنها زینت میدهد از قبیل ابوریحان خواجه نصیر طوسی . ابوالعلی سینا . امام فخر رازی و دیگران

این اشخاص در نتیجه رفتن آن چهار نفر یونان و ترجمه کتب فلسفه آنها پیدا شدند . و الا اگر معارف مصر را آقایان

ملاحظه فرمایند می بینند که ترقیات آنها بواسطه این بوده است که علما و فلاسفه در میان آنها پیدا شده است که کتب اروپا را با سرعت ترجمه و طبع نموده اند . در

زمان سلطنت ناصرالدین شاه هم آقایان در نظر دارند که یک عده از اشخاصی که اطلاعاتشان نسبتاً خوب بود آنها را انتخاب کردند و آنها مشغول شدند بترجمه کردن

بعضی کتابها که تا اندازه نفاست وارد متلا تاریخ اشکانیان که الان در دست مالست قبل از ترجمه آنکسی از تاریخ سلطنت آنها اطلاع کاملی نداشت .

مرحوم اعتماد السلطنه و ذکاء الملک زحمت ها کشیدند تا تاریخ آنها را ترجمه کردند و این بهترین تاریخی است که بین ما است قبل از ترجمه آن در تاریخها فقط یک اسمی از اشکانیان که قریب سیصد سال در ایران سلطنت کردند مثل مهر داد اردوان فرهاد

نوشته شده بود ولی ترتیبات سلطنتی آنها را نمیدانستیم بواسطه زحمتی که مرحوم اعتماد السلطنه و ذکاء الملک کشیدند و یک اطلاعاتی تحصیل کردند

ما الان از آن اطلاعات استفاده میکنیم . حالا هم بخوایم ترقیاتی در نظر بگیریم و بخوایم معارف ما بسط پیدا

کند باید سعی کنیم ولو هر قدر هم برای ما مخارج پیدا کند یک اشخاصی را استخدام کنیم که در دنیای مشرق امروز

طرف استفاده عمومی است آنها را ترجمه کنند و بدست ماها بدهند . امروز در مملکت ما برای اشخاص

مقدور نیست که هر چند سال زحمت بکشند و تحصیل زبانهای خارجی را بکنند . این را هم بنده تصدیق میکنم که زبان

فارسی زبان علمی نیست اطلاعات علمی در فارسی نیست تمام اصطلاحات علمی ما عربی است .

ولی چون ایرانیها غالباً بزبان عربی آشنا هستند و الا ن دولت کلمات و جملات و عبارات فارسی میادست از لغات عربی و

و کاملاً آشنا هستند . اشخاصی که اندک اطلاع معارفی داشته باشند میتوانند از کتب ترجمه شده استفاده کنند ولو اینکه اصطلاحات علمی آن فارسی نباشد .

این مسئله را که آقای آقا سید یعقوب و آقای تدین فرمودند ابتدا باید معنی خرج این کار را معین کرد بنده در نظر دارم که

راپرت کمیسیون مبتکرات پس از آنکه قابل توجه شد لابد میرود به کمیسیون معارف و کمیسیون بودجه و مدتی طول میکشد تا جریان خودش را بخاتمه دهد و عملی شدن آن میدانند برای سته آتی و

یک مهلی برای خرج اینکار معین کند . فرضاً در سال بیست هزار تومان هم بنده عقیده ام اینست که اگر یک کرور هم برای اینکار خرج شود ضرر نبردیم . اینها منظور که عرض کردم نوابغ و فلاسفه که امروز ما بوجود آنها افتخار میکنیم

نتیجه این بود که چند نفر را هارون الرشید فرستاد بیونان و عقیده ام اینست که اگر ما یک عده متخصص استخدام یا کثرت کنیم که کتب علمی را ترجمه و طبع کنند این یک مقدمه ایست برای ترقی و تعالی معارف در این مملکت و اگر معارف آنرا با سایر مخارج که همه میدانیم مقایسه کنیم

بقیه بنده این مخارج از تمام آنها لازمتر است . اگر هم بخوایم یک مالیاتی برای این کار باین اسم وضع کنیم بقیه بنده ملت راضی است . و آن را قبول خواهیم کرد .

رئیس - آقای عدل الملک پیشنهاد کرده اند این مطلب از دستور امروز خارج شود .

آقای عدل الملک (اجازه) عدل الملک - آقای تدین باین طرح مخالفند زیرا ناقص است و خواسته اند احترام رأی مجلس را راجع بقابل توجه شدن این رأی رعایت کنند

این بود که میفرمودند خوب است قبلاً در این باب با دولت مذاکره شود و اگر دولت این کار را ولو بطور اجمال وعده کرد بیاید بمجلس و با اطمینان رأی داده شود و اگر واقعا برای دولت میسر نیست

بنا بر این ممکن است این طرح مجدداً بر گردد بکمیسیون مبتکرات و در کمیسیون مبتکرات مطالعه شود و این تقاضای بنده از دستور خارج شود .

برای رفع این تقصیه است و علاوه یک نگرانی که بنده دارم اینست که خیال میکنم شاید این لایحه رد بشود . . .

مدرس - رد نمیشود . عدل الملک - وحیف است که این لایحه رد شود اگر این تقصیه رفع بشود ممکن است همه آقایان رأی بدهند و سهولت هم اجرا بشود .

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه) محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - عرض کنم البته مطالبی که جزء دستور می آید مدتی وقت مجلس را مشغول میکند .

و مخالف و موافق مذاکره میکنند تا اینکه بجائی منتهی شود و چنانچه از دستور خارج شود

بقیه بنده اسباب تضییع وقت است و همانطور که آقای تدین و سایر آقایان دیگر مذاکره کردند هیچکدام نسبت باساست

مغالف نبودند و فقط در طرز آن مغالف بودند و اینکه مذاکره شده که مشخص آن چیست این را گمان میکنم که کمیسیون معارف

بجائائی را معین میکند که تشخیص بدهند وقت دوم را هم همانطور بیکه آقا فرمودند منتهی میشود بودجه سال بعد و البته خیلی از مالیاتها هم هست مثل مالیات تصاعدی که از سال بعد اجرا میشود .

رئیس - آقا از موضوع خارج شدید . شیخ الرئیس - لهذا بنده لازم میدانم که این لایحه مجدداً برود بکمیسیون .

رئیس - برای میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند که این پیشنهاد از دستور امروز خارج شود قیام فرمایند . (عده قابلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد بعضی گفتند - مذاکرات کافی است .

تدین بنده مخالفم این برخلاف وظیفه مجلس است . رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(عده قابلی برخاستند) رئیس - معلوم میشود کافی نیست . آقای دست قیام . موافقت ؟

دست قیام - بلی . رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بعضی از آقایان موافق با این طرح مبنای دلالتشان این بود که ما احتیاج داریم بکتب و طبع و ترجمه کتب بسیار خوب و نافع است و ضمناً هم میخواهند و انمود بکنند که بنده با این اساس

مخالفم . عرض کردم حالا هم عرض میکنم بنده با این اساس و اصول مخالف نیستم و کاملاً موافقم که کتب ناقصه ازالته خارجه بهر زبانیکه باشد بفارسی ترجمه شود

یک نفر از نمایندگان - علمی تدین - بلی کتب ناقصه علمی محض

اینکه جای اعتراض نباشد . بنا بر این اگر ناطقین موافق بخواهند عریض بنده را طور دیگر جاوه بدهند

باز با صراحه عرض میکنم موافقم ولی مخالفم باین که یک مسائل مهمه بعرف فقط تمام شود بنده موافقم باین که این لایحه عملی بشود و نه اینکه دلمان را خوش کنیم و بکرای بدهیم و جامه هم بپوشیم که مجلس چقدر علاقمند است به منتظر شوند به بینند کتبات ها کجا است ؟ هیچ .

مخالفت بنده از این حیث است. اینجاست که قسمت از این ماده راجع به پیشنهاد خرج و تصویب آن است ما حق نداریم پیشنهاد خرج بکنیم. اینجاست میگویند حقوق و مخارج و طبع و نشر باید از محل اعتبار معمولی دولت پرداخت شود. ما میتوانیم فقط بگوئیم وزارت معالض این کار را بکند. بعد میگویند اعتبار دولت اعتباری است مقصود چیست؟ مقصود آن اعتباری است که صدای دو بهر وزارتخانه میدهند یا اعتباری است که برای هیئت دولت در سال معین میشود. از نقطه نظر بودجه درست و بیست هزار تومان هم امسال معین شده است اگر مقصود از اعتبار دولت آن اعتباری است که بنظر دولت و یا وزراء باید خرج شود قطعاً موافقت دولت و وزیر مالیه لازم است و بنده عرض میکنم قبل از اینکه باذوات در این باب مذاکره شود و جلب نظر دولت بشود چه فایده دارد ما این رأی را میدهیم. آیا باید عملی بشود یا نه؟ و مانعی دارد که در روز یا چهار روز دیگر متخیر بماند و کمیسیون مبتکرات وزیر مالیه را بخواهد یا اینکه از هیئت وزراء نماینده بخواهد و بگوید این است نظرم و این حرفهائیکه اینجا زده میشود با نماینده دولت مذاکره کند و او را هم متقاعد کند که اصولاً موافقت کنند و بعد هم رأی بدهند که کمیسیون باید بگوید که این طرح با موافقت نماینده دولت اصولاً قابل توجه است. اما بیانیته اینجاست که نمی بگویی بودجه و کمیسیون معارف و سایر چیزها درست بشود. ولی يك لا یجبه خرج بدون مراجعه به دولت این چه صورتی دارد که ما رأی بقبول توجه بدهیم؟ این هیچ مناقات هم ندارد. یا اینکه آقایان تصور بکنند که بنده موافقت با این لایحه آقا موافقت که عملی بشود و معذرت میخواید رأی بدهید اگر آنچه را که بنده عرض میکنم موافقت بفرمائید که سه چهار روز بماند نتیجه اش این میشود که يك رأی قابل توجهی است میدهید. ولی بعد معلوم نیست که دولت موافقت خواهد کرد یا نه. بکنند از آقایان نمایندگان اظهار کردند که میماند برای سال بعد بسیار خوب میماند برای يك تاریخیکه معلوم نیست ما زده هستیم یا خیر؟

مشارعظم - تجزیه نمیشود بذارین بنده عرض میکنم که باید این کار عملی بشود و

عملی شدنش موکول باین است که کمیسیون معتبر مبتکرات مابنده دولت را بخواهد و بدون این که بگوید مجلس کجا است اظهار کند که من این نظر را دارم و مجلس هم اصولاً موافق است آنوقت به بنده نماینده دولت هم موافق است باین خرج یا نه؟

فقاصد بنده که او اصولاً موافقت کرد آنوقت بیاورند اینجاست یکی از اشخاص هستم که ما کمال میل و رغبت رأی خواهم داد معذرت باین مطالبی که عرض کردم دیگر خودتان میدانید.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی - بنده فرمایشات موافق و مخالف هر دو را تصدیق میکنم زیرا هر دو درست میگویند آنها اینکه موافقت میکنند این مسئله موهبی است و البته همینطور هم هست. بنده گمان میکنم بهترین کار امروز همین است و بپوش این که شاگردان ما را بفرستیم بفرانک و بلیت معارجی بکنیم که نتیجه اش عاید بکنند میشود ممکن است همان مخارج را صرف این راه نموده و کتب علمیه را ترجمه نموده و انتشار دهیم که نتیجه اش عاید مردم شود و اینست که ترجمه و انتشار کتب علمی بتمام مردم فایده میرساند يك مسئله اساسی است و بنده متأسفم که اگر سابق این عمل مجری بود چرا امروز ترک شده است. و اگر نبوده چرا نبوده و البته باستانی امروز حتماً این کار را انجام دهد و اینست که آقای تدین و سایر آقایان مخالفین صورتناً مخالفت فرمودند که باستانی با وزراء مذاکره بکنند و ببینند آنها از نقطه نظر خرج میتوانند موافقت بکنند یا نه؟

این هم یکی از مسائل اساسی که نمی شود متکسر شد و جمع این دو بنظر بنده این است که این لایحه پس از قابل توجه شدنش میرود بکمیسیون مربوطه و کمیسیون مربوطه موظف است که با وزراء در این باب وارد مذاکره شود. اگر دید آنها هم اظهار موافقت میکنند آنوقت يك رأی برتی که ما کی از موافقت است میدهد و اگر غیر دید که آنها موافقت نکنند البته در این روش راطوری میدهد که مخالفت دولت را معلوم میکند. حالاً ما اگر ما رأی بدهیم چیزی از دست نماند. منتها این است که يك همچو مسئله را که بنده هم آقا باین مهم است بجز این انداخته ایم و اما اگر چنانچه امروز رأی بماند و بجز این نماند این لایحه میرود و معلوم هم نیست که مجدداً باید و البته حیف است يك چنین مسئله مهمی ازین پرورد و در برونه اجمال یا اعمال نیفتد این است که بنده موافقم.

رئیس - پیشنهاد آقای داور قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم خبر بر گردد به کمیسیون مبتکرات و پس از جلب نظر و موافقت دولت بجنس بر گردد **رئیس** - آقای داور (اجازه)

داور - بنده تصور میکنم که نظر ما باید نظر حلی باشد ما مقصودمان این است که بسرعت بتوانیم يك کارهایی کرده باشیم و اینجاست هم حتی الامکان وقت تلف نکرده باشیم. اساس مسئله طرف توجه هم است و همه هم موافقت و آقای تدین از نقطه نظر جریان طبیعی و قانونی يك اشکالاتی داشته و از نقطه نظر عمل عقیده داشتند که قبلاً باید نظر دولت جلب شود. اساساً هم این مسئله يك مسئله مهمی است که کمیسیون مبتکرات يك مسأله که مربوط بدولت میشود لازم است با نماینده دولت صحبت بکنند و بعد از جلب نظر دولت این خبر را بنده تماماً باین اطلاع کاملی از نقطه نظر اینکه در عمل چه خواهد شد برای بندهم و حالا اگر اینجا بخواهیم بحث کنیم که حتماً باید امروز رأی داده یا پنج روز عقب تر البته يك مقدار زیادی حرف زده میشود و بالا بر میگویند بماند برای سال دیگر این چه ضرر دارد که این لایحه بر گردد بکمیسیون و در آنجا نماینده دولت را بخواهند و نظر دولت هم جلب شود. بعد بیاید بجنس و رأی داده **رئیس** - رأی میکنم بپیشنهاد آقای داور آقا باینکه موافقت بفرمائید (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در باب اعتراضاتی که اینجا نسبت به رأی آمدگی و غیبت شد تحقیقاتی بعمل آمد و معلوم شد که کمیسیون عریض و مرضی در روز تشکیل نشده بود و باین لحاظ اجازه هائی که خواسته بودند هنوز داده نشده است. امروز کمیسیون تشکیل شده و تکلیف اجازه ما معلوم میشود.

خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به وضع مالیات تصاعدی بر عایدات مطرح است. مذاکراتهم راجع بکلیات است. آقای دامغانی.

(اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بنده اساساً تصدیق میکنم که نزدیکترین مالیاتها بعد از وضع مالیات بر عایدات است چنانچه بر آقایان هم معلوم است که ظالمترین مالیاتها مالیاتهای سرانه و خانوار است که مالیات برزندگانی و تنفس است زیرا يك نفر یک دارایی هیچ چیزی نیست فقط برای زندگانی و تنفس کشیدن از او مالیات میگيرند در صورتیکه خدا هوار برای زندگانی ما

فراوان کرده که ما با آزادی زندگانی کنیم. ولی متأسفانه بر موافقت مالیات وضع شده و در ازاء آنها مالیات گرفته میشود و در عین حال که بنده تصور میکنم عادلانه ترین وضع مالیات بر عایدات است معذرت این مالیات را غیر عملی میدانم. این قسم مالیات در این مملکت عملی نیست اولاً کشف عایدات متضمن يك زحمتی است برای دولت و مردم و بلاولاً امشاه يك اسرار است مخصوصاً از تجار زندگی میکنند. چنانچه ملاحظه بفرمائید يكده از تجار هستند که سرمایه کافی ندارند فقط اعتبار زندگی میکنند. اگر نباشد بخواهند کشف کنند سرمایه آنها و عایدات آنها در اداره مالیه برود و رسیدگی شود البته موجب ورشکست شدن يك عده از این مردم است این یکی. دیگر این که دلیلی که بنده دارم در اینکه این مالیات غیر عملی است این است که متأسفانه بخرج تشکیلاتش نیاید برای اینکه مالیه آن مقداری که خودش میدهد در ازاء باستثناء عایدات نفت تقریباً هشت کرور عایدات دارد و وقت کرور و نیم مخارج این هیچ نیست جز اینکه وضع اینطور مالیاتها گرفتن از يك عده اشخاص معلوم و دادن يك عده اشخاص مجهول است فقط صرف تشکیلات خودش شود **بعضی از نمایندگان** - کسر هم میآورد **شریعتمدار دامغانی** - در این صورت پس فلسفه و منطق ندارد که از يك عده اشخاص معلوم گرفته شود و بيك عده اشخاص مجهول داده شود. اینهم يك نظر مخالفت بنده است. یکی دیگر اینکه اینجا فرق نگذاشته بین هوایيكه مبتنی بر سرمایه باشد یا بر اشخاص چون اینجا مینویسد: بر هوایيكه اشخاص و مؤسسات تجاری) و اگر هم باید این مالیات وضع شود باید بر عایدات يك سرمایه معینی وضع شود و اینجاست عام است و فرق نگذاشته است بین عایداتی که از سرمایه است یا عایدات بدنی اشخاص. مثلاً يك عملی است که بدنش را بکار میاندازد و عایداتی تحصیل میکند میخوام به بینم آیا این مالیات بر بدن او هم تعلق میگیرد یا نه و اگر اینطور باشد از این قبیل اشخاص خیلی زیاد است و اگر بخواهیم اسم ببریم حتی بجائی میرسد که باید از هوایيكه هم مالیات بگیرند برای اینکه عایدی آنها هم در سال از این حدی که معین شده است بیشتر است.

مدیر - برو کلام تعلق میگيرد

شریعتمدار - مالیات باید طوری در نظر گرفته که فرق داده شود که این مالیات بر سرمایه اشخاص تعلق میگيرد یا بر خود اشخاص و زحمت بدنی شایسته تعلق میگيرد. این است که بنده باین جهات عرض کردم مخالف **داور** (مخبر کمیسیون) - آقای نماینده محترم که مخالفت کردند که مالیات بر عایدات مالیاتی است که از نقطه نظر عدالت بهترین مالیاتها است و بعد اشکال ایشان در این بود که غیر عملی است و صرفه هم ندارد و بعد هم شرحی راجع به او تفسیر کردند و فرمودند که ممکن است این مالیات از عوائد بدنی هم گرفته بنده بعضی اشکال خاطر نمایندگان محترم را خوب متوجه کرده باشم باین مالیات و چون می دانم که یک عده از آقایان به (بعضی ملاحظاتی در دیدی در خوی این مالیات دارند) این است که می خواهم درست توجه کنند يك مسأله راجع باین مالیات بنده عرض می کنم و بعد هم جواب ایشان را خواهم داد اساساً باید دید که ما با اصل مالیات موافق هستیم یا خیر؟ و يك مملکتی باید با مالیات زندگی بکند یا اینکه راه دیگری برای تحصیل عایدات باید پیدا کرد؟ اگر تصدیق کردیم که مالیات لازم است و بفرستیم که دولت دارد برای رفع احتیاجات مملکتی بایستی از مردم کمک خواست آنوقت باید ببینیم که چه مخارجی ما را امروز مجبور می کند بوضع این مالیات. ممکن است (مثل اینکه سکر بنده چه در خارج و چه در همینجا در جلسات رسمی شنبه ام و الان هم يك اشاره در ضمن نطق آقای دامغانی راجع باین مسئله بود) بگوئیم فایده مالیات گرفتن چیست و چنانچه اظهار شد بصرف يك سنجهای بی اساسی برسد و تشکیلات را زیاد می کند و میزد و صندلی را با اصلاح معمولی آن زیاد خواهند کرد در اینصورت چه ضرورتی دارد که از يك عده اشخاص پول بگیریم و بيك عده اجزای ادارات دولت بدهیم. بنده عرض میکنم این استدلال را باین که در نظر اول خیلی جالب است معذرت حقیقه نمیشود قابل توجهش دانست زیرا مخارج اختیار شماست در وقتیکه مخارج را تصویب کنید با کمال دقت ملاحظه کنید ببینید آن مخارجیکه لازم است مثل طبع کتب و سواکن طرق و شوارع و مسائل سعی که برای مملکت نهایت درجه لازم دارد و هر وقت صحبت می شود می گوئیم صحیح است ولی پول نداریم که بکار بیندازیم آن مخارج لازم را تصویب کنید و البته وقتیکه این

مالیات را وضع کردیم يك عایداتی پیدا میشود که میتوانیم صرف آنکارهای خوب بکنیم و الا بصرف اینکه ممکن است برود خرج میز و صندلی بشود مالیات وضع نکنیم این منطق صحیح نیست زیرا مملکت مادارای يك احتیاجات زیادی است و آن احتیاجات به چوچه رفع نمیشود مگر بیول و آنهم پیدا نمیشود مگر بوضع مالیات و اگر ما این اصل را قبول کردیم که باید يك مالیات جدیدی وضع شود آنوقت باید ببینیم که مالیات از عایدات بگیریم خوب است یا بد است؟ اصل قضیه است و این مالیاتی است که از عوائد مردم برای رفع احتیاجات و مخارج و مصارف ضروری گرفته می شود و رعایت عدالت هم بعقیده بنده کاملاً در این قسم مالیات شده است و بنده هیچ لازم نمیدانم که دلال زیادی در این خصوص بیاورم و گمان می کنم همه آقایان موافق باشند. مالیات تصاعدی باین طریق است که هر کس فرضاً از صد تومان بیلا عایدات داشت از قرار صد دو صد سه صد چهار باید مالیات بدهد برای اینکه اگر آقایان يك دقتی بفرمائید خواهند دید که قدر مقام و منزلت هر شیی و هر مالی بسته است بقدر آن یعنی هر چه زیادتر شود کمتر طرف اهمیت است. وقتی کسی صد تومان دارد البته آن مقدار از برای رفع حوائج ضروری است زیرا صد تومان در سال يك زندگانی فوق العاده مشکل و سختی را اداره میکند و لیکن آن کسیکه صد تا صد تومان دارد آنقدر تومان آخری رفع احتیاجات او را نمیکند و صرف يك مخارج تجملی میشود. بنابراین قیمت هر يك از صد تومانها را بگیرد تفاوت دارد و قدر و اهمیت آن صد تومان آخری کمتر است تا آن صد تومان اولی که صرف حوائج ضروری میشود. بنابراین وقتیکه میخوایم اصل مساوات را رعایت کنیم باید تساوی در گذشت باشد و تساوی در گذشت بطور تناسب رعایت نمیشود که بگوئیم آن کسی که صد تومان دارد یکصدم بدهد آن کسی هم که صد تا صد تومان دارد یکصدم بدهد برای اینکه اگر از صد تومان اولی شما يك تومان بخواهید برای آن شخص خیلی زحمت و اورش دارد. ولی اگر از آن صد تومان آخری ه تومان هم بخواهید بهیچ جای او نمیخورد اینست که این قانون که در تحت اصول تصاعدی در آمده است. رعایت این اصل را کرده و يك مقدار از عایدات را هم بگلی کنار گذاشته و آن قسمت از اشخاص را هم که آقای دامغانی اشاره فرمودند از قبیل عمه و پدانه که اظهار فرمودند ممکن است بر بدن آنها این صورت جهتی ندارد که ما اینهم يك زحمتی هم

بالاخره دارای يك عایدات هزار تومانی شده است از آن چیزی نیگيرند ولی آن کسیکه هزار تومان دارد از هزار تومان دومش در سال ده تومان بگیرند یعنی کسیکه در سال دو هزار تومان عایدی دارد ماهی هشت قران و خورده باید بدولت بدهد. حالا آقایان تصور میکنند که این يك ظلم و تعدی است و نباید کسی که در سال دو هزار تومان عایدی دارد ۸ قران بدولت بدهد. حاج ملک التجار - بلی داور - آقای دامغانی فرمودند که این مالیات غیر عملی است و ضمناً تجار را مثل زدند و فرمودند که بعضی تجار باعتبار زندگانی میکنند و اگر عایدات آنها معلوم شود ممکن است ورشکسته شوند پس يك همچو شخصی معلوم میشود میخواید کلام مردم را بر دارد اگر اساس يك تجارت خانه موهوم است و بدون سرمایه میخواید تجارت کنید. البته ما باید يك کاری بکنیم که این اساس اعتبار موهوم از بین برود برای این که اعتبار موهوم آن تاجر بنده و جناب عالی و سایرین صدمه میزند شما بشیال اینکه او دارای سرمایه است با او معامله میکنید و پول خودتان را نزد او میگزارد. اگر سرمایه نداشته باشد معلوم میشود خواسته است باین وسیله کلاه شمارا بردارد خوشوقت بنده در این است که همچو تجاری وجود ندارد. ولی اگر شادی نکرده یک عده از تجار باشند که بخواهند با اعتبار موهوم زندگانی کنند و این مالیات پرده از روی کار آنها بر میدارد. البته باید از آن عده که می خواهد کلاه بگذارد بگوئیم چه خواهد کرد. یکی دیگر از اعتراضاتی که شنیدیم در آینه هم بشود مسئله تقیض است که در ذهن آقایان فرورفته است که بخواید در زندگانی تجار مداخله کنند اسباب زحمت میشود. در این موضوع بعقیده بنده خوب است وقتی که بان ماده رسیدیم همه در کمیسیون به نشینم و نسبت باین موادی که راجع بتقیض است دقت کامل بکنیم تا برای مردم اسباب زحمت فراهم نشود. ولی در اصل مالیات که مردم باید نسبت به تناسب عایدات خود بدولت کمک کنند. اخیراً گمان نمیکند مجلس پنجم قبول نکند. دلیل دیگر مخالفت آقایان این بود که این مالیات بر عایدات صرفه ندارد البته اگر در ضمن عمل ثابت شد که صرفه ندارد یعنی خرجش بیش از دخلش است در آن صورت جهتی ندارد که ما اینهم يك زحمتی هم

بکشیم و يك پولی از مردم بگیریم تازه باندهم خرج وصولش نشود. ولی بوجوب پیش بینی و تحقیقاتی که وزارت مالیه کرده همچو قرار شده است که خرجی برای ابتکار ترتیب ندهند و تصدی این امر را بهمان مأمورین سابق خودشان واگذار کنند. بنابراین تصور نمیکند خرج زیادی داشته باشد و گمان میکنم خرجش فقط منحصر باوراق و پاکت و سایر لوازمات خواهد بود و با همین اشخاصی که حالا هستند اداره خواهد شد و چیزی اضافه نخواهد شد. ولی يك مسئله مهمی است که باید از حالا به آقایان عرض کنم و آن اینست که خوبست آقایان باینکه نظر مخالفت جدی باین رأی بکنند و نگاه نکنند. قسمی که حتی دلائل طرفین را هم گوش نکنند بلکه از آقایان تقاضا میکنم درست دقت بفرمائید. اگر چه نشان تصدیق کرد که تصدیق این اندازه مالیات بر مردم با تقاضای از مردم يك تقاضای فوق العاده نیست این را تصویب بفرمائید آنوقت البته در طرز اجراء اگر اشکالاتی بنظر آقایان میرسد و اسباب زحمتی برای مردم فرض میکنم آنرا هم در صدد اصلاحش بر خواهیم آمد و راهش را پیدا خواهیم کرد که اسباب زحمت مردم نشود. **رئیس** - چند دقیقه تنفس داده میشود. (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل کردید) **رئیس** - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - روزی که این لایحه از طرف دولت تقدیم مجلس شد بنده گمان میکردم که تنها خودم بلکه سایر آقایان نمایندگان هم آهیم بطور جدی تقیض خواهند کرد بلکه قطع داشتیم سرسری تقیض خواهند کرد. زیرا بقدری غیر عملی بودن این لایحه واضح و میرهن است که بعقیده بنده محتاج به هیچ توضیحی نیست. همان طور که سابق بر این اظهار عقیده کرده ام حالا هم عرض میکنم که قانون را برای هر طبقه و صنفی باید از اهل خود همان طبقه و صنف وضع کنند و کسانی که نواز اقتصاد و نه از تجارت خبر دارند و وضع زندگانی مردم را میدانند نمیتوانند قانون وضع کنند آنهم برای مملکتی که صادرانش در مقابل وارداتش حکم سفر را دارد و بنزله ورشکسته است. زیرا این مسئله راجع است بر مردمی که میخوایند با شرف دست خود زندگانی کنند.

بکشیم و يك پولی از مردم بگیریم تازه باندهم خرج وصولش نشود. ولی بوجوب پیش بینی و تحقیقاتی که وزارت مالیه کرده همچو قرار شده است که خرجی برای ابتکار ترتیب ندهند و تصدی این امر را بهمان مأمورین سابق خودشان واگذار کنند. بنابراین تصور نمیکند خرج زیادی داشته باشد و گمان میکنم خرجش فقط منحصر باوراق و پاکت و سایر لوازمات خواهد بود و با همین اشخاصی که حالا هستند اداره خواهد شد و چیزی اضافه نخواهد شد. ولی يك مسئله مهمی است که باید از حالا به آقایان عرض کنم و آن اینست که خوبست آقایان باینکه نظر مخالفت جدی باین رأی بکنند و نگاه نکنند. قسمی که حتی دلائل طرفین را هم گوش نکنند بلکه از آقایان تقاضا میکنم درست دقت بفرمائید. اگر چه نشان تصدیق کرد که تصدیق این اندازه مالیات بر مردم با تقاضای از مردم يك تقاضای فوق العاده نیست این را تصویب بفرمائید آنوقت البته در طرز اجراء اگر اشکالاتی بنظر آقایان میرسد و اسباب زحمتی برای مردم فرض میکنم آنرا هم در صدد اصلاحش بر خواهیم آمد و راهش را پیدا خواهیم کرد که اسباب زحمت مردم نشود. **رئیس** - چند دقیقه تنفس داده میشود. (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل کردید) **رئیس** - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - روزی که این لایحه از طرف دولت تقدیم مجلس شد بنده گمان میکردم که تنها خودم بلکه سایر آقایان نمایندگان هم آهیم بطور جدی تقیض خواهند کرد بلکه قطع داشتیم سرسری تقیض خواهند کرد. زیرا بقدری غیر عملی بودن این لایحه واضح و میرهن است که بعقیده بنده محتاج به هیچ توضیحی نیست. همان طور که سابق بر این اظهار عقیده کرده ام حالا هم عرض میکنم که قانون را برای هر طبقه و صنفی باید از اهل خود همان طبقه و صنف وضع کنند و کسانی که نواز اقتصاد و نه از تجارت خبر دارند و وضع زندگانی مردم را میدانند نمیتوانند قانون وضع کنند آنهم برای مملکتی که صادرانش در مقابل وارداتش حکم سفر را دارد و بنزله ورشکسته است. زیرا این مسئله راجع است بر مردمی که میخوایند با شرف دست خود زندگانی کنند.

بکشیم و يك پولی از مردم بگیریم تازه باندهم خرج وصولش نشود. ولی بوجوب پیش بینی و تحقیقاتی که وزارت مالیه کرده همچو قرار شده است که خرجی برای ابتکار ترتیب ندهند و تصدی این امر را بهمان مأمورین سابق خودشان واگذار کنند. بنابراین تصور نمیکند خرج زیادی داشته باشد و گمان میکنم خرجش فقط منحصر باوراق و پاکت و سایر لوازمات خواهد بود و با همین اشخاصی که حالا هستند اداره خواهد شد و چیزی اضافه نخواهد شد. ولی يك مسئله مهمی است که باید از حالا به آقایان عرض کنم و آن اینست که خوبست آقایان باینکه نظر مخالفت جدی باین رأی بکنند و نگاه نکنند. قسمی که حتی دلائل طرفین را هم گوش نکنند بلکه از آقایان تقاضا میکنم درست دقت بفرمائید. اگر چه نشان تصدیق کرد که تصدیق این اندازه مالیات بر مردم با تقاضای از مردم يك تقاضای فوق العاده نیست این را تصویب بفرمائید آنوقت البته در طرز اجراء اگر اشکالاتی بنظر آقایان میرسد و اسباب زحمتی برای مردم فرض میکنم آنرا هم در صدد اصلاحش بر خواهیم آمد و راهش را پیدا خواهیم کرد که اسباب زحمت مردم نشود. **رئیس** - چند دقیقه تنفس داده میشود. (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل کردید) **رئیس** - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - روزی که این لایحه از طرف دولت تقدیم مجلس شد بنده گمان میکردم که تنها خودم بلکه سایر آقایان نمایندگان هم آهیم بطور جدی تقیض خواهند کرد بلکه قطع داشتیم سرسری تقیض خواهند کرد. زیرا بقدری غیر عملی بودن این لایحه واضح و میرهن است که بعقیده بنده محتاج به هیچ توضیحی نیست. همان طور که سابق بر این اظهار عقیده کرده ام حالا هم عرض میکنم که قانون را برای هر طبقه و صنفی باید از اهل خود همان طبقه و صنف وضع کنند و کسانی که نواز اقتصاد و نه از تجارت خبر دارند و وضع زندگانی مردم را میدانند نمیتوانند قانون وضع کنند آنهم برای مملکتی که صادرانش در مقابل وارداتش حکم سفر را دارد و بنزله ورشکسته است. زیرا این مسئله راجع است بر مردمی که میخوایند با شرف دست خود زندگانی کنند.

این نوع قوانین و مالیاتها تنها همی نیست بلکه باوضع حاضر که داریم اگر تمام عایدات مملکت را برای اداره کردن این کار صرف کنیم آنطور که میخواهیم نمیشود.

در مملکتی که مردمش صدمه نود و نه سواد ندارند و دادستد هائی که که تجارت می کنند غالباً محفوظ سینهشان می کنند و روزی که متاهی را میخرد و فقط منتظر است که ببیند اتفاقات و حوادث کار او را چه طور میچرخاند و نمی داند که ضرر دارد و یا نفع برای همچو مملکتی ما قانون تصاعدی مینویسیم و در آخر سال هم میخواهیم به بینیم که کسی چقدر نفع برده تا از نفعش مالیات بگیریم بنده دلم میخواست آقایانی که باین لایحه رای داده اند اول نسبت بیک دکان بقالی فکر میکردند که چطور عایدات او را در آخر سال معین میکنند آنوقت این لایحه را تصویب کرده و بمجلس می آمدند.

و آن برات بیست پنجروز وعده دارد آخر مدت که شد ممکن است پول نداشته باشد یافتنش نرفته باشد باید یک فکر دیگری بکنند.

میزی میباید بمجلس همه آقایان خواهند دید که بنده عقیده ام این است که پس از یک معارج مختصری باقی از زمین عایدی اگر بعد تصاب رسیده باشد باید یک عشر بگیری.

ملا شکر خود را بقیعت کثیر بفرود و پول برات را کار سازی کند و گاهی ممکن است که این قند یا چیز دیگری معاوضه شود و مدت دوسال برای فروش معطل بماند و معلوم نیست این کثیرائی که من امروز با رویا میفرستم کی بفروش خواهد رفت و کسی پولش دست مرا بگیرد و نیندازم آیا برای من ضرر خواهد داشت یا نفع بالاخره چقدر خرج باو تعلق میگیرد.

هیچ یک از این مراتب بر من معلوم و آشکار نیست نه تنها اداره مالیه نمیتواند این پیش بینی ها را در کار من بکند بلکه خود هم نمیتوانم پیش بینی و حساب کنم و نیندازم آخر سال کس دارم باز یاد داشته باشم ولی نباید بواسطه این کسر تجارت را اول کنم بلکه باید غیب کار خود رفته و مشغول کار شوم لکن منتهی در پاره است و مردم گمان میکنند من دوست هزار تومان مالیه دارم ولی چه بسا سال بعد که مشغول کسب و کارم این کسر را جبران میکنم.

البته دولت باید پول داشته باشد اما اینده شله عملی نیست فقط بیک نتیجه خواهد داشت و آن اینست که بعضی اینکه این قانون از مجلس گذشت خدا برکت بنده فرود بیست و پنج تاملدیر کل و رئیس و ادارات جزء و کل و آرشو و میز های مختلف برای اینکار ترتیب داده خواهد شد و هیچ نتیجه برای دولت نخواهد داشت آقایان خوبست این مسئله را در نظر بگیرید که وضعیت مملکت امروز چطور است و این قانون را برای کجا میخواهند وضع نمایند.

خوبست بکسیسین عرایض و مرخصی مراجعه بفرمایند و ببینند این شکایاتی که بکسیسین میرسد و جوابهایی که داده میشود از چه قرار است.

چنانچه عرض کردم حکم آقایان از اوضاع تجارت ایران اطلاع ندارند . بنده علم حقوق خواندم علم تجارت هم فرضا خواندم ولی اطلاع داشتن من از تجارت باز مو کول باین است که بیرون تجارت کنم والا هر کس که علم سواری خواند یا دانست نمیتواند سواری کند باید سواری بیاند.

اینها همه از روی تعین است و اکثر اوقات ممکن است پس از فروش متاهی مقدار زیادی کسر یا اضافه داشته باشد در هر صورت تقیث در اینگونه امور آسیا عملی است آیا خود تاجر میتواند اینکار را بکند؟

خوبست یک فکری برای این کار بفرمایند این مالیاتی که عیناً از مردم بگیرند بهتر این است که این را درست بگیرند تا از افراط و تفریط معذور بمانند بیک مالیات دیگری وضع کنند.

تمام مردم ایران با رعایت تناسب و تساوی مالیات گرفته شود زیرا ما امروز می بینیم از هر چیزی بیک طرز مخصوص مالیات گرفته میشود مثلا از هر دهی باقریه یک نحر مالیات میکنند و هیچ ده باقریه نیست که طرز وصول مالیاتش شبیه بده باقریه دیگر باشد باین حال باین خرابی حالا مامی آیم بیک قانون دیگری تصویب کنیم که مردم را بیک آتش بیندازیم.

بنده لازم می دانم یک شبه از ترتیب تجارنی ایران را بعرض آقایان برسانم.

شیروانی - حرف بزنید؟

یک تاجر ایرانی میخواهد با اروپا و افریقا و آسیا و داخه جزئی و کلی طرف معامله بوده و اجناس وارد و صادر کند یک نفر هم نشی بیشتر ندارد.

مخبر - بنده اولاً از آقایان موافقتین که اجازه خواسته اند عرض می خواهم و در آتیه هم باین اندازه وقت را نخواهم گرفت و می گذارم که آقایان صحبت کنند ولی در بیانات آقای کازرونی تقریباً یکسهمش از استدلال خارج شده بود و بطور مستقیم تقریباً یک مذاکره ای کردند که راجع به شخص بنده بود که لازم دانستم بیام اینجا ایشان اظهار کردند که حقوق دانستن دلیل بر این نیست که قانون مالیه را هم بدانند و حقوق دانان مجلس شورای ملی بد بختانه چهار و سی و عمل آنها زندگانی می کنیم.

کازرونی پس شرمخوانم؟ پس بنویسم؟ چه کار بکنم؟ کینه کینه جهنم استبداد خوب حرف بزنم.

اگر بنا شود مثلا من صدپوند قند از اروپا بخواهم که تا دوتا ماه دیگر برای من حمل کنند.

آن دفتری که آقایان میخواهند او اصلا ندارد و آن ترتیبی که آقایان در نظر دارند عملی نیست من باید یک جنس را یک تومان بصد دینار بخرم و در شب یک نفر و یک قاضی و ترتیب مرتبی ندارد که از روی آن هم چیزها مرتب باشد این وضعیت تاجر بود.

مردم؟

در اروپا میزان قیمت معلوم است بخلاف ما که هیچوقت نرخ معین نمیتوانم داشته باشیم و بدست بیایوریم روزی که من قند را خواستم قیمت یونند پنج تومان بود حالا که وارد شده شش تومان است روزی که من خواستم قیمت دوازده قران بود حالا یک تومان است وقتی هم که به بوشهر آمد و وارد سرحد شد آنروز تا شپز بار برد گریه صدمن بیست تومان بوده حالا اتفاقاً پس از آنهم که وارد شد صدتوبیروت این شخص در بانک است آقایان تصور میکنند که همیشه صدتوبیروت تجار بر از پول است و هر وقت که بخواد بر میآورد.

حالا آمدیم سردکان بقالی یک نفر بقال که دوست تومان سرمایه دارد بازار تومان دارد در آخر سال چطور می فهمند که چقدر عایدی داشته مگر اینکه یک نفر مفتش همیشه با او در دکان و یک نفر در خانه و یک نفر بازار باشد و ببیند چگونه خرید و فروش میکند یا چطور حرکت میکند و چگونه رام میبرد.

کازرونی - عموماً بقالها همانهایی زحمت می کشند و بنده و جناب عالی زنده هستیم و سعی و عمل آنها زندگانی می کنیم.

همان بدبختهای بیچاره در هر صورت عقیده بنده این مطالب عملی نیست ببلاده اگر بخواهد حاصله از این طریق را با معارجش قیاس بفرماید اصلا طرف تناسب نخواهد بود.

پس از آنهم که وارد شد صدتوبیروت این شخص در بانک است آقایان تصور میکنند که همیشه صدتوبیروت تجار بر از پول است و هر وقت که بخواد بر میآورد.

خیر اینطور نیست بایستی برانسی بفروشد و پول را باعتبار همین قند بفرش که در شیراز یا جای دیگر است حواله بدهد

اینها شوخی است چطور میشود عملی کرد؟ والا بنده یا اصل موضوع موافقم و مالیات بر عایدات را بهترین طرز عایدات میدانم و مخالفت بنده از این راه نیست که چرا دولت مالیات میگیرد فردا که قانون

در هر صورت عقیده بنده این مطالب عملی نیست ببلاده اگر بخواهد حاصله از این طریق را با معارجش قیاس بفرماید اصلا طرف تناسب نخواهد بود.

را نوشته اند و توضیحاتی دادند در ارجع معلوم اقتصادی که قند را یک کسی که میخواهد بخرد چگونه میخرد و چطور باید برات بخرد و برات بفروشد.

تصدیق باشد بدیم ولی خودمان میدانیم عملی نیست برای اینکه میدانیم اگر بنا باشد اوضاع صعبه را تغییر بدیم باید میلیونها پول بدیم البته از برای اینکار ما هم تصدیق داریم که بگمرتبه نمیشود بقدریکه لازم میدانیم از مردم پول بگیریم و این مسئله حتمی است که باید پول را برای مردم پیدا کرد که عایدات مردم زیاد شود تا عایدات دولت زیاد شود.

است و با وجود این برات میدهید برات میگیرید؟

قائل شده اند نه اینکه یک شاهی زیادو کم را تعیین کنند.

البته اینگونه استدلالات بطوریکه خودشان تغییر میکنند خوب بود ولی در حال در ضمن مذاکراتشان بیک مسئله بود که من نمی توانم از آن تمام دفاتر او و واضعاش مرتب و منظم است و حقوق مستخدمینشان هم معلوم است وقتی بیکستی برای تجارت خانه می آید باصافه نسیاسات حق را باید بپول بدهد معین می کند و کمتر اتفاق می افتد که دیناری اختلاف داشته باشد و اگر اختلاف هم پیش بیاید معلوم است و حتی عکس حرکاتش هم برداشته می شود و معلوم است که بگمرتبه در مدت عمرش چه کرده و بیکجارتی وجه اقداماتی کرده است تمام اینها در یک کتابچه محفوظ است اما این مسائل مربوط بمانیست انسان باید قانون را از روی اخلاق و وضعیت زندگی و مقتضای وضعیت وضع کند نه اینکه یک چیزی بنویسد که عملی نباشد باین که فرض بفرمایند در قطب شمالی هوا خیلی سرد است ما هم باید همان اوضاعی را که برای وضعیت زندگی آنها لازم است برای گرمی برات هم لازم بدانم.

ولی در هر حال در ضمن مذاکراتشان بیک مسئله بود که من نمی توانم از آن تمام دفاتر او و واضعاش مرتب و منظم است و حقوق مستخدمینشان هم معلوم است وقتی بیکستی برای تجارت خانه می آید باصافه نسیاسات حق را باید بپول بدهد معین می کند و کمتر اتفاق می افتد که دیناری اختلاف داشته باشد و اگر اختلاف هم پیش بیاید معلوم است و حتی عکس حرکاتش هم برداشته می شود و معلوم است که بگمرتبه در مدت عمرش چه کرده و بیکجارتی وجه اقداماتی کرده است تمام اینها در یک کتابچه محفوظ است اما این مسائل مربوط بمانیست انسان باید قانون را از روی اخلاق و وضعیت زندگی و مقتضای وضعیت وضع کند نه اینکه یک چیزی بنویسد که عملی نباشد باین که فرض بفرمایند در قطب شمالی هوا خیلی سرد است ما هم باید همان اوضاعی را که برای وضعیت زندگی آنها لازم است برای گرمی برات هم لازم بدانم.

پس این تجارت نشد پس یک همچو کس تجارت نکند بهتر است گمان میکنم این استدلال ایشان صحیح نبود مسائلی که اظهار کردند دو قسمت بود که هر دو قسمت خیلی قابل توجه است و اگر این قسمت را رعایت نکنیم این مالیات قابل قبول نیست بیکس اینکه یک معارجی پیش از عایدی پیدا می کند و دیگر اینکه عملی نمی شود ولی عقیده من این است که معارجش پیش از یک عشر نمیشود و بدیهی است اگر این ترتیب باشد که نماینده معترم اظهار کردند قطعاً بایستی این مالیات لغو شود و دلیل ندارد که بیایند یک جماعتی را در زحمت بیندازند و یک مالیاتی از مردم بگیرند و تمام پولهای مأخوذه خرج وصول آن شود ولی این طور نیست.

اینجا هم باید با رعایت اوضاع مملکت خودمان بشنیم و بیکتر تیبی را معین کنیم که بتوانیم عایدات خودمان را وصول کنیم و الا هیچ عملی نیست که عایدات یک مملکتی را به چوبسله ای حتی در اروپا هم که آقا اطلاعاتش را دارند.

مملکتی که اوضاع اقتصادیش بد است و در سال چندین هزار نفرشان از مرض مالاریا و هزاران امران مختلفه می میرند و روز بروز خرابتر میشود و هر چه در این موضوع گفته میشود مثل حرف های بی اساس و موهومات را تلقی کرده و سرسری میگیرند و جوی تلقی نمیکنند. (بقول آقای کازرونی) این مملکت را چطور میخواهید اصلاح کنید؟

شماها که میخواهید یک اصلاحاتی بشود باید یک مالیاتهای تازه هم بدیدید و الا بخرم نمیشود پس از برای معارج اینطور کارها و اقدامات که بالاخره یک قسمه بی اساس اقتصادی ما را اصلاح میکنند و کار هم از برای مردم تهیه میشود باینکه میگویند این مالیاتی که پیشنهاد شده است پول آن خرج میز و صندلی خواهد شد.

عرض کردم مأمورین همان مأمورین مالیه هستند که حالا هستند فقط کاری که می شود یک معارج جزئی از برای اظهار نامه چاپ کردن و از این قبیل است و این قسمت در کبسیون هم مذاکره شد و بالاخره معارج پیش شما خواهد آمد و وزیرش از نظر شما خواهد گذشت اگر معارج زیادتر بود و آن روز آن معارج را میزنیم یا اینکه وقتی که گفتند این موارد مختصری اضافه بر معارج آن شده است آن روز آن را در می کنیم و می گوئیم آن مالیاتی را که ما فلان وقت تصویب کردیم چون در عمل معلوم شد خرج وصول آن بیش از فوائد آن است و با مختصری اضافه از معارج است آن را باید لغو کرد آن روز صحبت است و الا قبل از وقت که عایدات خودشان را میداند چطور می گویند وصول این مالیات با اندازه معارج آن نیست؟ قسمت دیگر مسأله تقیث بود اولاً این مسأله را آقای کازرونی از برای چه گفتند؟ شاید از برای این گفته باشند که بقالهای تهران بگویند آقا خوب بگویی بوده اند و خوب صحبت کرده اند با اینکه بقالی که در سال هزار تومان عایدات داشته باشد گمان نمی کنم همچو بقالی یا همچو عده در طهران باشند یک عده از این قبیل اصناف از قبیل عطاز و بقال و غیره که اصلاً داخل در این مالیات نمی شوند شامی خواهد بود معین مفتش کنید بنده می گویم راست مسأله تقیث باین شکل که الان در لایحه است شکلی است که موجب زحمت مردم می شود و واقفاً باید ترتیبی شود و با نظر هم شود کنیم ببینیم چه راهی پیدا می توانیم بکنیم که زحمت برای مردم نباشد و یک عایداتی هم پیدا کنیم.

در همه عالم تجربه کرده اند و عقل هم ثابت کرده است و چاره هم نیست.

آیا شما میخواهید تا دنیا دنیا است این محوطه که اسس را ایران گذاشته اند به همین حال کثافت و بد بختی و با همین حال مرض و فقر و گرسنگی و بیگاری و تمام چیزهایی که ناشی از فقر و گرسنگی است به همین ترتیب نگاهش دارید یا غیر بنده ترتیب ترتیب بداد؟

این مسأله گفته شده و بنده هم جواب دادم باز هم جواب عرض میکنم آن روزی که معارج اینها خواهد آمد هر خرجش که لازم است آنرا بزنید و با بنده هم بکنید میز و صندلی هم برای مملکت لازم است پس از برای اینکه خرج مالیات شود که اوضاع اقتصادی مملکت بهتر شود و اطلاعات تجارنی آقایان تجار هم پیش از اطلاعات فعلی آنها بشود برای این که یک پولهای پیدا بشود و یک معارجی بشود که مردم سواد پیدا کنند و بالاخره برای اینکه یک پولهای پیدا شود و بصارف مهمه دیگر برسد باید سعی کرد و مالیات تصویب کرد.

عرض کردم مأمورین همان مأمورین مالیه هستند که حالا هستند فقط کاری که می شود یک معارج جزئی از برای اظهار نامه چاپ کردن و از این قبیل است و این قسمت در کبسیون هم مذاکره شد و بالاخره معارج پیش شما خواهد آمد و وزیرش از نظر شما خواهد گذشت اگر معارج زیادتر بود و آن روز آن معارج را میزنیم یا اینکه وقتی که گفتند این موارد مختصری اضافه بر معارج آن شده است آن روز آن را در می کنیم و می گوئیم آن مالیاتی را که ما فلان وقت تصویب کردیم چون در عمل معلوم شد خرج وصول آن بیش از فوائد آن است و با مختصری اضافه از معارج است آن را باید لغو کرد آن روز صحبت است و الا قبل از وقت که عایدات خودشان را میداند چطور می گویند وصول این مالیات با اندازه معارج آن نیست؟ قسمت دیگر مسأله تقیث بود اولاً این مسأله را آقای کازرونی از برای چه گفتند؟ شاید از برای این گفته باشند که بقالهای تهران بگویند آقا خوب بگویی بوده اند و خوب صحبت کرده اند با اینکه بقالی که در سال هزار تومان عایدات داشته باشد گمان نمی کنم همچو بقالی یا همچو عده در طهران باشند یک عده از این قبیل اصناف از قبیل عطاز و بقال و غیره که اصلاً داخل در این مالیات نمی شوند شامی خواهد بود معین مفتش کنید بنده می گویم راست مسأله تقیث باین شکل که الان در لایحه است شکلی است که موجب زحمت مردم می شود و واقفاً باید ترتیبی شود و با نظر هم شود کنیم ببینیم چه راهی پیدا می توانیم بکنیم که زحمت برای مردم نباشد و یک عایداتی هم پیدا کنیم.

عرض کردم مأمورین همان مأمورین مالیه هستند که حالا هستند فقط کاری که می شود یک معارج جزئی از برای اظهار نامه چاپ کردن و از این قبیل است و این قسمت در کبسیون هم مذاکره شد و بالاخره معارج پیش شما خواهد آمد و وزیرش از نظر شما خواهد گذشت اگر معارج زیادتر بود و آن روز آن معارج را میزنیم یا اینکه وقتی که گفتند این موارد مختصری اضافه بر معارج آن شده است آن روز آن را در می کنیم و می گوئیم آن مالیاتی را که ما فلان وقت تصویب کردیم چون در عمل معلوم شد خرج وصول آن بیش از فوائد آن است و با مختصری اضافه از معارج است آن را باید لغو کرد آن روز صحبت است و الا قبل از وقت که عایدات خودشان را میداند چطور می گویند وصول این مالیات با اندازه معارج آن نیست؟ قسمت دیگر مسأله تقیث بود اولاً این مسأله را آقای کازرونی از برای چه گفتند؟ شاید از برای این گفته باشند که بقالهای تهران بگویند آقا خوب بگویی بوده اند و خوب صحبت کرده اند با اینکه بقالی که در سال هزار تومان عایدات داشته باشد گمان نمی کنم همچو بقالی یا همچو عده در طهران باشند یک عده از این قبیل اصناف از قبیل عطاز و بقال و غیره که اصلاً داخل در این مالیات نمی شوند شامی خواهد بود معین مفتش کنید بنده می گویم راست مسأله تقیث باین شکل که الان در لایحه است شکلی است که موجب زحمت مردم می شود و واقفاً باید ترتیبی شود و با نظر هم شود کنیم ببینیم چه راهی پیدا می توانیم بکنیم که زحمت برای مردم نباشد و یک عایداتی هم پیدا کنیم.

ممكن است آقای کازرونی بیک عده بگویند این راه را با علمي كه خودمان داریم و يك علمي كه خداوند داده است از همین جا كه نشسته ایم در شش می کنیم ولی يك عقیده دیگر هم هست و گمان میکنم که روزی بنده هم در شش نشسته ام که راه را باید طوری رفت که دنیای متدین رفعت و اصلاح گردد و مملکتیهای خودشان را اداره کردند.

پس وقتی باین مرحله رسیدیم و تصدیق کردیم که با پول باید اصلاح کرد و مالیات لازم است آنوقت یکی از بهترین قسم همین مالیات بر عایدات است.

عرض کردم مأمورین همان مأمورین مالیه هستند که حالا هستند فقط کاری که می شود یک معارج جزئی از برای اظهار نامه چاپ کردن و از این قبیل است و این قسمت در کبسیون هم مذاکره شد و بالاخره معارج پیش شما خواهد آمد و وزیرش از نظر شما خواهد گذشت اگر معارج زیادتر بود و آن روز آن معارج را میزنیم یا اینکه وقتی که گفتند این موارد مختصری اضافه بر معارج آن شده است آن روز آن را در می کنیم و می گوئیم آن مالیاتی را که ما فلان وقت تصویب کردیم چون در عمل معلوم شد خرج وصول آن بیش از فوائد آن است و با مختصری اضافه از معارج است آن را باید لغو کرد آن روز صحبت است و الا قبل از وقت که عایدات خودشان را میداند چطور می گویند وصول این مالیات با اندازه معارج آن نیست؟ قسمت دیگر مسأله تقیث بود اولاً این مسأله را آقای کازرونی از برای چه گفتند؟ شاید از برای این گفته باشند که بقالهای تهران بگویند آقا خوب بگویی بوده اند و خوب صحبت کرده اند با اینکه بقالی که در سال هزار تومان عایدات داشته باشد گمان نمی کنم همچو بقالی یا همچو عده در طهران باشند یک عده از این قبیل اصناف از قبیل عطاز و بقال و غیره که اصلاً داخل در این مالیات نمی شوند شامی خواهد بود معین مفتش کنید بنده می گویم راست مسأله تقیث باین شکل که الان در لایحه است شکلی است که موجب زحمت مردم می شود و واقفاً باید ترتیبی شود و با نظر هم شود کنیم ببینیم چه راهی پیدا می توانیم بکنیم که زحمت برای مردم نباشد و یک عایداتی هم پیدا کنیم.

عرض کردم مأمورین همان مأمورین مالیه هستند که حالا هستند فقط کاری که می شود یک معارج جزئی از برای اظهار نامه چاپ کردن و از این قبیل است و این قسمت در کبسیون هم مذاکره شد و بالاخره معارج پیش شما خواهد آمد و وزیرش از نظر شما خواهد گذشت اگر معارج زیادتر بود و آن روز آن معارج را میزنیم یا اینکه وقتی که گفتند این موارد مختصری اضافه بر معارج آن شده است آن روز آن را در می کنیم و می گوئیم آن مالیاتی را که ما فلان وقت تصویب کردیم چون در عمل معلوم شد خرج وصول آن بیش از فوائد آن است و با مختصری اضافه از معارج است آن را باید لغو کرد آن روز صحبت است و الا قبل از وقت که عایدات خودشان را میداند چطور می گویند وصول این مالیات با اندازه معارج آن نیست؟ قسمت دیگر مسأله تقیث بود اولاً این مسأله را آقای کازرونی از برای چه گفتند؟ شاید از برای این گفته باشند که بقالهای تهران بگویند آقا خوب بگویی بوده اند و خوب صحبت کرده اند با اینکه بقالی که در سال هزار تومان عایدات داشته باشد گمان نمی کنم همچو بقالی یا همچو عده در طهران باشند یک عده از این قبیل اصناف از قبیل عطاز و بقال و غیره که اصلاً داخل در این مالیات نمی شوند شامی خواهد بود معین مفتش کنید بنده می گویم راست مسأله تقیث باین شکل که الان در لایحه است شکلی است که موجب زحمت مردم می شود و واقفاً باید ترتیبی شود و با نظر هم شود کنیم ببینیم چه راهی پیدا می توانیم بکنیم که زحمت برای مردم نباشد و یک عایداتی هم پیدا کنیم.

این دو فکر است که هر روز در مذاکره این دو فکر متضاد با هم مصادمه میکنند.

فکر آقای کازرونی و فکر امثال بنده از برای اینکه بخواهم در مملکت اصلاحاتی بکنیم و یک قسمت از اصلاحات هم مربوط بدولت است در قدم اول محتاج به پولیم وقتی که از مسائل صحی آقای امیر اعلم یاد بگردانم میباید صحبت میکنند تا اندازه که از برای همکاری بودن و تحصیل رضایت خاطر ایشان است ما حاضریم ورقه پارای که خلاصت

عرض کردم مأمورین همان مأمورین مالیه هستند که حالا هستند فقط کاری که می شود یک معارج جزئی از برای اظهار نامه چاپ کردن و از این قبیل است و این قسمت در کبسیون هم مذاکره شد و بالاخره معارج پیش شما خواهد آمد و وزیرش از نظر شما خواهد گذشت اگر معارج زیادتر بود و آن روز آن معارج را میزنیم یا اینکه وقتی که گفتند این موارد مختصری اضافه بر معارج آن شده است آن روز آن را در می کنیم و می گوئیم آن مالیاتی را که ما فلان وقت تصویب کردیم چون در عمل معلوم شد خرج وصول آن بیش از فوائد آن است و با مختصری اضافه از معارج است آن را باید لغو کرد آن روز صحبت است و الا قبل از وقت که عایدات خودشان را میداند چطور می گویند وصول این مالیات با اندازه معارج آن نیست؟ قسمت دیگر مسأله تقیث بود اولاً این مسأله را آقای کازرونی از برای چه گفتند؟ شاید از برای این گفته باشند که بقالهای تهران بگویند آقا خوب بگویی بوده اند و خوب صحبت کرده اند با اینکه بقالی که در سال هزار تومان عایدات داشته باشد گمان نمی کنم همچو بقالی یا همچو عده در طهران باشند یک عده از این قبیل اصناف از قبیل عطاز و بقال و غیره که اصلاً داخل در این مالیات نمی شوند شامی خواهد بود معین مفتش کنید بنده می گویم راست مسأله تقیث باین شکل که الان در لایحه است شکلی است که موجب زحمت مردم می شود و واقفاً باید ترتیبی شود و با نظر هم شود کنیم ببینیم چه راهی پیدا می توانیم بکنیم که زحمت برای مردم نباشد و یک عایداتی هم پیدا کنیم.

عرض کردم مأمورین همان مأمورین مالیه هستند که حالا هستند فقط کاری که می شود یک معارج جزئی از برای اظهار نامه چاپ کردن و از این قبیل است و این قسمت در کبسیون هم مذاکره شد و بالاخره معارج پیش شما خواهد آمد و وزیرش از نظر شما خواهد گذشت اگر معارج زیادتر بود و آن روز آن معارج را میزنیم یا اینکه وقتی که گفتند این موارد مختصری اضافه بر معارج آن شده است آن روز آن را در می کنیم و می گوئیم آن مالیاتی را که ما فلان وقت تصویب کردیم چون در عمل معلوم شد خرج وصول آن بیش از فوائد آن است و با مختصری اضافه از معارج است آن را باید لغو کرد آن روز صحبت است و الا قبل از وقت که عایدات خودشان را میداند چطور می گویند وصول این مالیات با اندازه معارج آن نیست؟ قسمت دیگر مسأله تقیث بود اولاً این مسأله را آقای کازرونی از برای چه گفتند؟ شاید از برای این گفته باشند که بقالهای تهران بگویند آقا خوب بگویی بوده اند و خوب صحبت کرده اند با اینکه بقالی که در سال هزار تومان عایدات داشته باشد گمان نمی کنم همچو بقالی یا همچو عده در طهران باشند یک عده از این قبیل اصناف از قبیل عطاز و بقال و غیره که اصلاً داخل در این مالیات نمی شوند شامی خواهد بود معین مفتش کنید بنده می گویم راست مسأله تقیث باین شکل که الان در لایحه است شکلی است که موجب زحمت مردم می شود و واقفاً باید ترتیبی شود و با نظر هم شود کنیم ببینیم چه راهی پیدا می توانیم بکنیم که زحمت برای مردم نباشد و یک عایداتی هم پیدا کنیم.

جلسه هفتاد و نهم
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه هفدهم عترب
۱۳۰۳ مطابق یازدهم
ربیع الثانی
۱۳۴۳

(مجلس دوساعت و ربع قبل از ظهر
براست آقای مؤتمن الملک تشکیل
گردید)
(صورت مجلس یوم پنجشنبه چهاردهم
عترب را آقای اقبال المسالك قرائت
نمودند)
رئیس- آقای دامغانی (اجازه)
دامغانی - بنده قبل از دستور عرض
داشتیم.
رئیس- آقای آقا میرزا شهاب الدین
(اجازه)
آقا میرزا شهاب - چون در صورت
مجلس استغای آقای سردار عشایر را از
کمیسیون داخله نوشته اند و تصویب صورت
مجلس به شرح تصویب استغای ایشان است.
(وزارتشان تقاضا شد که استغای خودشان
را مسترد دارند و ایشان هم قبول کردند)
خواستم محض اطلاع عرض کرده باشم که
ایشان مصوبت کمیسیون داخله را قبول کرده اند
رئیس - بلی بنده هم میخواستم به
اطلاع آقایان برسانم.
عرض حال از طرف اجرای اداره پست
رسیده و کمیسیون عریض صلاح دانسته
است در مجلس قرائت شود.
(بمضمون ذیل قرائت شد)
ساحت مقدس مجلس شورای ملی
شیدالله از کانه.
وضع تدوین قانون استخدام ما یک
عده اعضاء پست را که قلت حقوقشان بر
همه مبرهن است بجبران مافات و رفع
تبعیض بین ما و اعضاء سایر ادارات و
درافت حقوق حقه بشارت داده و به آیه
خود امیدوار میساخت
این بود که مردم تقاضای اجرای
آن را می نمودیم در صورتیکه در تمام
ادارات حقوق را با قانون استخدام تطبیق
دادند متأسفانه چنانچه خاطر همون نمایندگان
مشخص است اداره ما را به درستی ننگین شدن بودجه
معروم نموده و به علاوه تعدیلات آنرا از قبیل
برداشت کسور و شرائط برقراری نظام و
وظیفه نقصان یا حذف حقوق موظفین و
غیره را مجری داشتند و نمایندگان محترم
تصدیق میفرمایند که این امر یکی دوازده
انصاف و تخراب از عدالت است
در صورتیکه رهائی یک عده مردمان
خدمتگزار صدیق از جنگال فقر و تطبیق
حقوق آنها با قانون استخدام برای دولت
امر مشکلی است مقرر فرمایند کسور و شرائط
مشریه حال مارا موقوف الاجراء دارند تا
زمانی که تصمیمی درباره اجرای تمام مواد

قانون استخدام در اداره ما اتهاژ شود.
رئیس- استعلامی است از طرف اداره
مباشرت و آقایان مباشرین رسیده است.
قرائت میشود.
(اینطور قرائت شد)
مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی
شیدالله از کانه.
با عطف توجه به ماده (۱۲۰) نظامنامه
داخلی که تشخیص و تعیین عفر موجه بهمه
مباشرین معول شده است
نظر بآنکه بروفق ماده مزبور باید
جهات عفر موجه قیلامشخص باشد تا مباشرین
بتوانند صحیحاً تشخیص بدهند
لهذا مستدعی است مجلس شورای ملی
تشخیص جهات عفر موجه را بهر يك از
کمیسیونها که مقتضی است اعم از کمیسیون
نظامنامه داخلی - محاسبات -
عریض و مرخصی و یا بهر کمیسیون
دیگری که صلاح باشد رجوع فرمایند مراتب
را تشخیص دهه تا اداره مباشرت بتواند
وظیفه خود را مطابقاً انجام دهد. از طرف
اداره مباشرت مجلس
رئیس - اگر صلاح میدانید مراجعه
شود بکمیسیون تجدید نظر در نظامنامه
داخلی.
رئیس- آقای کلزونی - صحیح است.
(اجازه)
کلزونی - بنده در این موضوع دیگر
هر ضعی ندارم.
رئیس- برای اطلاع خاطر آقایان
عرض میکنم فردا سه ساعت قبل از ظهر
باید شباعت تشکیل شود.
اولاً برای انتخاب کمیسیون شش
نفری راجع باقتصادیات که این جاری
داده شد.
ثانیاً برای مطالعه در پیشنهاد آقای
رئیسالتجار راجع بتأمین ارزاق.
ثالثاً تعیین دوفنر برای کمیسیون قانون
انتخابات و یک نفر برای کمیسیون عریض
امروز هم کسری کمیسیونها باید انتخاب شود
این مرتبه دوم است که انتخابات میشود.
کمیسیون داخله. دوفنر کمیسیون معارف
یک نفر.
کمیسیون نظام یک نفر.
کمیسیون عدلیه یک نفر کمیسیون نفت
سه نفر.
آقای آقا سید یعقوب.
(اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده برای استخراج
حاضر هستم ولی چون با لایحه مالیات
تصادفی مخالفم حتم ازین میروم استدعا
میکنم اجازه بفرمایید بنده ایرادات خودم
را بگویم بعد بروم والا بنده بدون حضور
نمی توانم به این لایحه ضربت وارد
بیاورم.
(خنده نمایندگان)

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - اینکه آقای رئیس فرمودند
مرتبه دوم است که کمیسیونها انتخاب
میشود.
گمان میکنم مرتبه سوم باشد فقط
کمیسیون نفت مرتبه دوم است.
رئیس - دقه اول اکثریت نبود.
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
رئیس - لایحه از طرف دولت رسیده
است قرائت میشود و بعد بهر کجا باید
مراجعه بشود بفرمایید.
(شرح آتی قرائت شد)
بساحت محترم مجلس شورای ملی شیدالله
از کانه - اگر چه تمام لایحه قانونی تجارت
که برای تصویب مجلس شورای ملی شده
است مربوط بوزارت فلاحت و تجارت و
قوائد عامه است.
ولی نظر باینکه فصل اول این لایحه
تا باب چهارم که راجع بشرکت های تجاری
است محل احتیاج وزارت قوائد عامه
است.
برای راه انداختن منابع اقتصادی
و دادن امتیازات مفیده نهایت ضرورت را
دارد و چون تصویب تمام قانون و
گذشتن آن از مجلس شورای ملی مدتی
طول خواهد کشید لهذا درخواست ذیل تقدیم
میشود.
ماده واحده - مجلس شورای ملی
تصویب می نماید که از فصل اول تا
باب چهارم لایحه قانون تجارت موقتایس
از تصویب کمیسیون معترم عدلیه بوقوع
اجراء گذارده شود تا اینکه قانون مزبور
در موقع خود تصویب مجلس شورای ملی برسد.
رئیس آقای داور
(اجازه)
داور - نمایندگان این لایحه تازه آمده
است با قبل از آنکه به کمیسیون عدلیه
داده شد و با آن اختیار گمان میکنم
این لایحه موضوعی نداشته و تحصیل حاصل
خواهد بود.
رئیس - بلی بهمین دلیل که فرمودید
ما خیال کردیم که پس از گذشتن آن
پیشنهاد این لایحه را می گیرند چون
پس نگرفتند بنده وظیفه میدانم بگویم
قرائت شود حالا اگر موضوعی ندارد مسکوت
عنه بماند.
بعضی از نمایندگان - صحیح است.
موضوعی ندارد.
رئیس - مطلب دیگری که باید به
عرض آقایان برسد این است که بموجب
نظامنامه در موقعی که با وره اخذ رأی
میشود باید اوراق سفید و کبود داده
شود.
ولی اغلب آقایان روی کاغذ سفید
پا مینویسند بدون اینکه قید کنند سفید
است یا کبود این ترتیب هم در موقع
بدهم.

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - اینکه آقای رئیس فرمودند
مرتبه دوم است که کمیسیونها انتخاب
میشود.
گمان میکنم مرتبه سوم باشد فقط
کمیسیون نفت مرتبه دوم است.
رئیس - دقه اول اکثریت نبود.
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
رئیس - لایحه از طرف دولت رسیده
است قرائت میشود و بعد بهر کجا باید
مراجعه بشود بفرمایید.
(شرح آتی قرائت شد)
بساحت محترم مجلس شورای ملی شیدالله
از کانه - اگر چه تمام لایحه قانونی تجارت
که برای تصویب مجلس شورای ملی شده
است مربوط بوزارت فلاحت و تجارت و
قوائد عامه است.
ولی نظر باینکه فصل اول این لایحه
تا باب چهارم که راجع بشرکت های تجاری
است محل احتیاج وزارت قوائد عامه
است.
برای راه انداختن منابع اقتصادی
و دادن امتیازات مفیده نهایت ضرورت را
دارد و چون تصویب تمام قانون و
گذشتن آن از مجلس شورای ملی مدتی
طول خواهد کشید لهذا درخواست ذیل تقدیم
میشود.
ماده واحده - مجلس شورای ملی
تصویب می نماید که از فصل اول تا
باب چهارم لایحه قانون تجارت موقتایس
از تصویب کمیسیون معترم عدلیه بوقوع
اجراء گذارده شود تا اینکه قانون مزبور
در موقع خود تصویب مجلس شورای ملی برسد.
رئیس آقای داور
(اجازه)
داور - نمایندگان این لایحه تازه آمده
است با قبل از آنکه به کمیسیون عدلیه
داده شد و با آن اختیار گمان میکنم
این لایحه موضوعی نداشته و تحصیل حاصل
خواهد بود.
رئیس - بلی بهمین دلیل که فرمودید
ما خیال کردیم که پس از گذشتن آن
پیشنهاد این لایحه را می گیرند چون
پس نگرفتند بنده وظیفه میدانم بگویم
قرائت شود حالا اگر موضوعی ندارد مسکوت
عنه بماند.
بعضی از نمایندگان - صحیح است.
موضوعی ندارد.
رئیس - مطلب دیگری که باید به
عرض آقایان برسد این است که بموجب
نظامنامه در موقعی که با وره اخذ رأی
میشود باید اوراق سفید و کبود داده
شود.
ولی اغلب آقایان روی کاغذ سفید
پا مینویسند بدون اینکه قید کنند سفید
است یا کبود این ترتیب هم در موقع
بدهم.

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - اینکه آقای رئیس فرمودند
مرتبه دوم است که کمیسیونها انتخاب
میشود.
گمان میکنم مرتبه سوم باشد فقط
کمیسیون نفت مرتبه دوم است.
رئیس - دقه اول اکثریت نبود.
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
رئیس - لایحه از طرف دولت رسیده
است قرائت میشود و بعد بهر کجا باید
مراجعه بشود بفرمایید.
(شرح آتی قرائت شد)
بساحت محترم مجلس شورای ملی شیدالله
از کانه - اگر چه تمام لایحه قانونی تجارت
که برای تصویب مجلس شورای ملی شده
است مربوط بوزارت فلاحت و تجارت و
قوائد عامه است.
ولی نظر باینکه فصل اول این لایحه
تا باب چهارم که راجع بشرکت های تجاری
است محل احتیاج وزارت قوائد عامه
است.
برای راه انداختن منابع اقتصادی
و دادن امتیازات مفیده نهایت ضرورت را
دارد و چون تصویب تمام قانون و
گذشتن آن از مجلس شورای ملی مدتی
طول خواهد کشید لهذا درخواست ذیل تقدیم
میشود.
ماده واحده - مجلس شورای ملی
تصویب می نماید که از فصل اول تا
باب چهارم لایحه قانون تجارت موقتایس
از تصویب کمیسیون معترم عدلیه بوقوع
اجراء گذارده شود تا اینکه قانون مزبور
در موقع خود تصویب مجلس شورای ملی برسد.
رئیس آقای داور
(اجازه)
داور - نمایندگان این لایحه تازه آمده
است با قبل از آنکه به کمیسیون عدلیه
داده شد و با آن اختیار گمان میکنم
این لایحه موضوعی نداشته و تحصیل حاصل
خواهد بود.
رئیس - بلی بهمین دلیل که فرمودید
ما خیال کردیم که پس از گذشتن آن
پیشنهاد این لایحه را می گیرند چون
پس نگرفتند بنده وظیفه میدانم بگویم
قرائت شود حالا اگر موضوعی ندارد مسکوت
عنه بماند.
بعضی از نمایندگان - صحیح است.
موضوعی ندارد.
رئیس - مطلب دیگری که باید به
عرض آقایان برسد این است که بموجب
نظامنامه در موقعی که با وره اخذ رأی
میشود باید اوراق سفید و کبود داده
شود.
ولی اغلب آقایان روی کاغذ سفید
پا مینویسند بدون اینکه قید کنند سفید
است یا کبود این ترتیب هم در موقع
بدهم.

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - اینکه آقای رئیس فرمودند
مرتبه دوم است که کمیسیونها انتخاب
میشود.
گمان میکنم مرتبه سوم باشد فقط
کمیسیون نفت مرتبه دوم است.
رئیس - دقه اول اکثریت نبود.
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
رئیس - لایحه از طرف دولت رسیده
است قرائت میشود و بعد بهر کجا باید
مراجعه بشود بفرمایید.
(شرح آتی قرائت شد)
بساحت محترم مجلس شورای ملی شیدالله
از کانه - اگر چه تمام لایحه قانونی تجارت
که برای تصویب مجلس شورای ملی شده
است مربوط بوزارت فلاحت و تجارت و
قوائد عامه است.
ولی نظر باینکه فصل اول این لایحه
تا باب چهارم که راجع بشرکت های تجاری
است محل احتیاج وزارت قوائد عامه
است.
برای راه انداختن منابع اقتصادی
و دادن امتیازات مفیده نهایت ضرورت را
دارد و چون تصویب تمام قانون و
گذشتن آن از مجلس شورای ملی مدتی
طول خواهد کشید لهذا درخواست ذیل تقدیم
میشود.
ماده واحده - مجلس شورای ملی
تصویب می نماید که از فصل اول تا
باب چهارم لایحه قانون تجارت موقتایس
از تصویب کمیسیون معترم عدلیه بوقوع
اجراء گذارده شود تا اینکه قانون مزبور
در موقع خود تصویب مجلس شورای ملی برسد.
رئیس آقای داور
(اجازه)
داور - نمایندگان این لایحه تازه آمده
است با قبل از آنکه به کمیسیون عدلیه
داده شد و با آن اختیار گمان میکنم
این لایحه موضوعی نداشته و تحصیل حاصل
خواهد بود.
رئیس - بلی بهمین دلیل که فرمودید
ما خیال کردیم که پس از گذشتن آن
پیشنهاد این لایحه را می گیرند چون
پس نگرفتند بنده وظیفه میدانم بگویم
قرائت شود حالا اگر موضوعی ندارد مسکوت
عنه بماند.
بعضی از نمایندگان - صحیح است.
موضوعی ندارد.
رئیس - مطلب دیگری که باید به
عرض آقایان برسد این است که بموجب
نظامنامه در موقعی که با وره اخذ رأی
میشود باید اوراق سفید و کبود داده
شود.
ولی اغلب آقایان روی کاغذ سفید
پا مینویسند بدون اینکه قید کنند سفید
است یا کبود این ترتیب هم در موقع
بدهم.

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - اینکه آقای رئیس فرمودند
مرتبه دوم است که کمیسیونها انتخاب
میشود.
گمان میکنم مرتبه سوم باشد فقط
کمیسیون نفت مرتبه دوم است.
رئیس - دقه اول اکثریت نبود.
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
رئیس - لایحه از طرف دولت رسیده
است قرائت میشود و بعد بهر کجا باید
مراجعه بشود بفرمایید.
(شرح آتی قرائت شد)
بساحت محترم مجلس شورای ملی شیدالله
از کانه - اگر چه تمام لایحه قانونی تجارت
که برای تصویب مجلس شورای ملی شده
است مربوط بوزارت فلاحت و تجارت و
قوائد عامه است.
ولی نظر باینکه فصل اول این لایحه
تا باب چهارم که راجع بشرکت های تجاری
است محل احتیاج وزارت قوائد عامه
است.
برای راه انداختن منابع اقتصادی
و دادن امتیازات مفیده نهایت ضرورت را
دارد و چون تصویب تمام قانون و
گذشتن آن از مجلس شورای ملی مدتی
طول خواهد کشید لهذا درخواست ذیل تقدیم
میشود.
ماده واحده - مجلس شورای ملی
تصویب می نماید که از فصل اول تا
باب چهارم لایحه قانون تجارت موقتایس
از تصویب کمیسیون معترم عدلیه بوقوع
اجراء گذارده شود تا اینکه قانون مزبور
در موقع خود تصویب مجلس شورای ملی برسد.
رئیس آقای داور
(اجازه)
داور - نمایندگان این لایحه تازه آمده
است با قبل از آنکه به کمیسیون عدلیه
داده شد و با آن اختیار گمان میکنم
این لایحه موضوعی نداشته و تحصیل حاصل
خواهد بود.
رئیس - بلی بهمین دلیل که فرمودید
ما خیال کردیم که پس از گذشتن آن
پیشنهاد این لایحه را می گیرند چون
پس نگرفتند بنده وظیفه میدانم بگویم
قرائت شود حالا اگر موضوعی ندارد مسکوت
عنه بماند.
بعضی از نمایندگان - صحیح است.
موضوعی ندارد.
رئیس - مطلب دیگری که باید به
عرض آقایان برسد این است که بموجب
نظامنامه در موقعی که با وره اخذ رأی
میشود باید اوراق سفید و کبود داده
شود.
ولی اغلب آقایان روی کاغذ سفید
پا مینویسند بدون اینکه قید کنند سفید
است یا کبود این ترتیب هم در موقع
بدهم.

رئیس- آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - اینکه آقای رئیس فرمودند
مرتبه دوم است که کمیسیونها انتخاب
میشود.
گمان میکنم مرتبه سوم باشد فقط
کمیسیون نفت مرتبه دوم است.
رئیس - دقه اول اکثریت نبود.
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
رئیس - لایحه از طرف دولت رسیده
است قرائت میشود و بعد بهر کجا باید
مراجعه بشود بفرمایید.
(شرح آتی قرائت شد)
بساحت محترم مجلس شورای ملی شیدالله
از کانه - اگر چه تمام لایحه قانونی تجارت
که برای تصویب مجلس شورای ملی شده
است مربوط بوزارت فلاحت و تجارت و
قوائد عامه است.
ولی نظر باینکه فصل اول این لایحه
تا باب چهارم که راجع بشرکت های تجاری
است محل احتیاج وزارت قوائد عامه
است.
برای راه انداختن منابع اقتصادی
و دادن امتیازات مفیده نهایت ضرورت را
دارد و چون تصویب تمام قانون و
گذشتن آن از مجلس شورای ملی مدتی
طول خواهد کشید لهذا درخواست ذیل تقدیم
میشود.
ماده واحده - مجلس شورای ملی
تصویب می نماید که از فصل اول تا
باب چهارم لایحه قانون تجارت موقتایس
از تصویب کمیسیون معترم عدلیه بوقوع
اجراء گذارده شود تا اینکه قانون مزبور
در موقع خود تصویب مجلس شورای ملی برسد.
رئیس آقای داور
(اجازه)
داور - نمایندگان این لایحه تازه آمده
است با قبل از آنکه به کمیسیون عدلیه
داده شد و با آن اختیار گمان میکنم
این لایحه موضوعی نداشته و تحصیل حاصل
خواهد بود.
رئیس - بلی بهمین دلیل که فرمودید
ما خیال کردیم که پس از گذشتن آن
پیشنهاد این لایحه را می گیرند چون
پس نگرفتند بنده وظیفه میدانم بگویم
قرائت شود حالا اگر موضوعی ندارد مسکوت
عنه بماند.
بعضی از نمایندگان - صحیح است.
موضوعی ندارد.
رئیس - مطلب دیگری که باید به
عرض آقایان برسد این است که بموجب
نظامنامه در موقعی که با وره اخذ رأی
میشود باید اوراق سفید و کبود داده
شود.
ولی اغلب آقایان روی کاغذ سفید
پا مینویسند بدون اینکه قید کنند سفید
است یا کبود این ترتیب هم در موقع
بدهم.

ضناً هم دولت را متذکر کنم که از
یکی دو سال قبل تاکنون يك صدای از
مردم تقریباً سی چهل هزار تومان از
دولت طلب کارند یعنی از اداره حمل و
نقل.
مخصوصاً هفت هشت هزار تومان
اهالی ستان و دامغان و شاهرود طلب کارند
و هیچ پیش بینی نشده است که مطالبات مردم
داده شود.
البته امضای دولت را باید به اندازه
امضای يك نفر آدم عادی خود دولت محترم
بشمارد والا اگر امضای دولت محترم باشد
قطعاً روابط اقتصادی بین دولت و ملت
متارکه میشود و این باعث ضرر هر دو
است.
امضای دولت البته معترم است و باید
دیون خود هم به پرداخت و حالا نمایندگان
چرا اصل این موضوع پیش بینی نشده است
و چرا باید جزو دیون معونه بشود که هم
مردم و هم دولت وهم کمیسیون بودجه دچار
زحمت فوق العاده بشوند یا مثلاً کمیسیون
بودجه در آتیه بالاخره بزحمت پیدا کردن
محل بیفتند
چون این قرض در عوض يك چیز است
که دولت گرفته و محل سوختی نیست مثلاً
در شاهرود و دامغان و ستان اهالی پول به
حمل و نقل داده و برات طهران گرفته اند
اینجا نکول شده و مدت دو سال است که بلا
تکلیف مانده و صاحبش نمیدهند
اگر جزو قروض است و حالا محل ندارند
پس این پولیکه از آنجا گرفته اند جزو عایدی
شده چطور شده؟
آیا حساب ندارد و نباید قروض مردم
را داد؟
خیر باید داد چون مردم طلبکارند يك
اشخاص مستأثلی از قبیل سورچی رعیت
کاسب تاجر که سرمایه کمی دارند يك پولی
باداره حمل و نقل داده و بروات گرفته اند
ولی آنها ندادند و حالا جزو قروض معونه
شده است که نمایندگان دولت چه نظر دارند
چطور باید این قضیه حل شود؟
و این عایدی کجا رفته که قرضش
باقی مانده و خواستم با آقایان نمایندگان
معترم تذکر بدهم که در این خصوص يك
مطالعه فرموده و يك فکری برای این مردم
بیچاره بکنند.
شیروانی - سؤال کنید
دامغانی - سؤال شد آن روز آقای
یاساسی سؤال کردند ولی فایده نبخشید
شیروانی - استیضاح کنید
رئیس - شیر کمیسیون قوانین مالیه
راجع بمالیات تصاعدی بر عایدات مطرح
است
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - بدون اینکه بر
بنده حمله بشود و بگویند شما از جمله

منورین الافکار نیستید و گمان میکنم که
اینطور نباشد
برای اینکه زحمات هجده ساله بنده
و خدمتایکه در این مدت کردم دلیل بر این
است که میخواستم ملک در راه ترقی و
سعادت بیفتد و گمان میکنم تواریخ هم
شهادت بدهند حالا اگر عامه سرم باشد
دلیل نمیشود که منور افکار ترستم پس بنده
بشهادت تواریخ همیشه مایل بودم که این
ملک در راه سعادت و ترقی بیفتد.
البته امضای دولت را باید به اندازه
امضای يك نفر آدم عادی خود دولت محترم
بشمارد والا اگر امضای دولت محترم باشد
قطعاً روابط اقتصادی بین دولت و ملت
متارکه میشود و این باعث ضرر هر دو
است.
امضای دولت البته معترم است و باید
دیون خود هم به پرداخت و حالا نمایندگان
چرا اصل این موضوع پیش بینی نشده است
و چرا باید جزو دیون معونه بشود که هم
مردم و هم دولت وهم کمیسیون بودجه دچار
زحمت فوق العاده بشوند یا مثلاً کمیسیون
بودجه در آتیه بالاخره بزحمت پیدا کردن
محل بیفتند
چون این قرض در عوض يك چیز است
که دولت گرفته و محل سوختی نیست مثلاً
در شاهرود و دامغان و ستان اهالی پول به
حمل و نقل داده و برات طهران گرفته اند
اینجا نکول شده و مدت دو سال است که بلا
تکلیف مانده و صاحبش نمیدهند
اگر جزو قروض است و حالا محل ندارند
پس این پولیکه از آنجا گرفته اند جزو عایدی
شده چطور شده؟
آیا حساب ندارد و نباید قروض مردم
را داد؟
خیر باید داد چون مردم طلبکارند يك
اشخاص مستأثلی از قبیل سورچی رعیت
کاسب تاجر که سرمایه کمی دارند يك پولی
باداره حمل و نقل داده و بروات گرفته اند
ولی آنها ندادند و حالا جزو قروض معونه
شده است که نمایندگان دولت چه نظر دارند
چطور باید این قضیه حل شود؟
و این عایدی کجا رفته که قرضش
باقی مانده و خواستم با آقایان نمایندگان
معترم تذکر بدهم که در این خصوص يك
مطالعه فرموده و يك فکری برای این مردم
بیچاره بکنند.
شیروانی - سؤال کنید
دامغانی - سؤال شد آن روز آقای
یاساسی سؤال کردند ولی فایده نبخشید
شیروانی - استیضاح کنید
رئیس - شیر کمیسیون قوانین مالیه
راجع بمالیات تصاعدی بر عایدات مطرح
است
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - بدون اینکه بر
بنده حمله بشود و بگویند شما از جمله

این و آن بشود.
باید برای سعادت دنیا و آخرت این
مملکت صرف شود و گفتم با بنده جدا
مخالفت کنیم.
با وضع هر مالیات و عوارض و ملاحظه
کنیم در عوارض که فعلاً میگیرند و ببینیم چه
مصرف میرسد.
متأسفانه دوره چهارم هر چه بود گذشت
من اوله الی آخر خانه یافت اگر آقایان
صورت های مجلس را ملاحظه بفرمایند ببینند
هر وقت خواستند يك عوارض بر مردم تحمیل
کنند ما اینجا قریباً مزیدیم که تا آن
مالیاتهای میگیرند در تحت نظر در نیاید و
ندائیم این پولها را که باقسام مختلف از
مردم میگیرند صرف معارف و حفظ الصحه
و تأمینات و نظایه و سایر چیزهایی که برای
يك ملت زنده لازم است میشود یا نمیشود
دیناری تصویب نمیکنیم.
مختصر هر چه صحبت کردیم بتوان
ماست مالی گذشت از این کابینه بآن کابینه
از این کمیسیون بآن کمیسیون افتاد
يك نفر یادآورم که نسبتاً کار می
بکنند.
تازه هم از فترت بیرون آمده و وارد
مشروطیت شده بودیم و باز وحشت داشتیم
که مبارا فترت بی بریم.
این بوم شوم دو مرتبه روی مایفته
محض این زیاد تعقیب نمی کردیم ولی در
نظرمان بود که باید عوارض را طوری قرار
بدهیم که بفتح ملت تمام بشود
خود بنده هم خیلی جدیت می کردم چون
بنده یکی از اشخاصی هستم که در دوره
چهارم ابتدا غیبت نداشتم دوسه من هم حاضر
است در تمام جلسات علنی و خصوصی حاضر
بودم در کمیسیونهای مختلف بودم تمام
داد و فریاد من و سایرین این بود که این
مالیاتها بصار ف ملت برسد باز آنچه بیکه
شفای قلب بود کاین مالیاتها بصرف حقیقی
خودش برسدند.
مثلاً يك لایحه بمآمد مصارف فبور و
روشنائی فبور کی؟
فبور کسانیکه آزادی داده اند؟
يك چیزهایی گفته میشد که يك نفر از افراد
ملت حاضر نبود این حقوق را بدهد.
پس در دوره چهارم این شفا برای ما
حاصل نشد و دوره پنجم شد حالا آقایان
میگویند بمجرد وضع مالیات مجلس مخالفت
میکند - خیر - مجلس مخالفت
نمیکند بنده میخواهم عرض کنم مگر در
اینجا گفته اند که باید تأمین مالی و جانی
برای مردم باشد.
البته تصدیق میکنم که قوای تأمینیه
ماتکامل و مرتب است و امنیت جانی برای
مردم تهیه شده است.
اما این مالیه با این وضع و عملیاتش

هیچ اهمیت ملکی و مالی برای این ملت
باقی نگذاشته.
يك مثالی برای شما عرض میکنم.
مأمور مالیه میروند بقران آبادی و میگویند
اینجا خانه است میگوید آقا چند سال
است اینجا در دست من است خالصه نیست
مأمور میگوید خیر حرف من حق است و
من از آسمان افتادم ام توی این زمین و اینجا
خالصه است و باید مالیتش را بدهی اگر
تو دلیل داری بگو صاحب بدبختیش میگوید
آقا چرا اینجا زمین افتادی اینجا ملك
من است.
این یکی از عملیات مأمورین مالیه
است.
مثل دیگر در دوره چهارم همین آقای
کاشانی پیشنهاد کردند که مأمورین تهدید
بر خلاف قانون اساسی داخل خانه مردم
نشوند از مجلس هم گذشت حالا سؤال
کنید به پیشین این اردوی چنگیز چه بر سر
مردم میآوردند و به پیشین عملیات این مأمورین
مالیه و ترتیب مالیات گرفته شان از مردم
بچه ترتیب است!! در صورتیکه تمام تواریخ
شهادت میدهند بهترین ملتی که مطیع قوانین
است ملت ایران است اول حمل یا سرطان
یا قوس اعلان کند که مردم مالیاتها را
بدهند.
البته مطیع هستند و میدهند.
بنده با بزرگان ایران معاشرت کرده
و میدانم مکرر میگویند
مگر میشود مالیات دیوان را عقب
انداخت؟
این عقیده باطنیشان است معذالك
ببینید چه حکایتی است و مأمورین مالیه
در ولایات پسر مردم چه میآورند يك
رئیس الوزراء توانائی پیدا شده است که
خودش بنده در هر جنگی در هر جانی که
صدای آشوب بلند میشود حاضر می
شود.
و با کمال جدیت و با تمام قوایش خود را
حاضر کرده برای تأمین دادن باهالی اما
مالیه مگر میگذارد!!!
مثل اینکه مصلحین و مأمورین مالیه
مکلف هستند سلب راحتی از مردم
بکنند.
خیلی غریب است میفرمایند در مالک
متعدنه وقتی صحبت مالیات تصاعدی می
شود کف میزنند و ف میزنند - خوشحالی
میکند اظهار بشارت میکنند که مالیات
تصادفی داریم.
آقا اینجا که مالیات تصاعدی می
دهند این قدر بدبختی ندارند که حتی برای
يك لقه نان هم مالیات بدهند
مالیات ارضی - مالیات حیوانی مالیات
سراهنه - مالیات نفس کشیدن میگیرند باز
هم مالیات تصاعدی بگیرند؟
بلی اگر تمام مالیاتهای سابق را
کنار بگذاریم و مالیات تصاعدی
را بگیریم يك چیز است ولی هم آن

هزار بگیرند هم مالیات را؟! میگویند در فرنگستان این مالیات هست معلوم است. بنده در فرنگستان نرفته ام انشاء الله هم نخواهم رفت.

میل هم ندارم بروم.

ولی آیا آنجا هم مالیات سرتاهست استخوان پولی هم هست؟ مرد که جوش مرحوم شده میگویند استخوان پولی باید بدی. در کرمان الان هم معمول است تحقیق کنید به بنیاد مالیات آخ و تفسد (خنده نمایندگان) تحقیق کنید به بنیاد.

زمان مرحوم ناصر الدین شاه در بروجرد جنگی واقع شد بن حاج میرزا محمود دولت دولت قلبه کرد.

حاج میرزا محمود را آوردند تهران و باو تف انداختند از آنوقت مالیات آخ و تف میگیرند.

الآن در بروجرد این مالیات معمول است. باین مالیاتها باین تحبيلات وبا این افتضاح به بنیاد آخ ما میتوانیم بیایم بگوئیم.

آقایان مالیات تصاعدی هم بدهید؟ و امیدوارم هیچ يك از شما هاهم حاضر نشوید که رأی باین لایحه و رأی باین قانون یلید بدهید و جسد آنرا در مجلس بیارید.

آقایان خدا شاهد است وقتیکه عنوان مالیات بر معاملات در اینجا شد و بکیسیون رفت هنوز مطرح شور نشود بود چهار نفر در دردهات شیراز گفتند (سؤال هم کردم) يك نفر انگور بار کرده بود میخواست بدهد گندم بگیرد مامور آمد و گفت:

باید مالیات معامله را بدهی... حاج عز المالك - خارج از موضوع است.

آقا سید یعقوب - خیر آقا. مرد که را کشتند خارج از موضوع است. داخل در موضوعت بنده تمام اعمال مالیه را میخواهم اینجا بیان کنم.

ماهت کرور تومان را نخواهم داد بيك ماله که اینطور مردم را بروز بدبختی انداخته است. تمام ماها زحمت میکشیم و میخواهیم امنیت جانی و مالی برای مردم تهیه کنیم آنوقت مامورین ماله سلب زندگی از مردم میکنند حال هم این لایحه را میآورند در مجلس.

هنوز صحبت آن لایحه بود و بکیسیون هم نرفته بود که مرد که را در شیراز کشتند هنوز قانونش از مجلس نگذشته آن آشوب را برپا کردند. حالا این لایحه را آورده اند در تحت شور و میخواهند در کلیات آن رأی بدهند. این اولاً. ثانیاً بنده با آقای داور دريك فراکسیون و يك هستم و شبالت میکشم ولسی چون در اظهار عقیده آزاد هم عرض میکنم.

آقا ما مکرر صحبت کرده ایم که باید تأمین جانی و مالی مردم بدهیم دولت حاضر هم با تمام قوا زحمت میکشد که در مملکت تأمین جانی و مالی برپا کند ولی ما وضع قوانینی میکنم که بکسی سلب آزادی از مردم نمیکند. بچه دلیل؟ بدلیل اینکه در مقام اظهارنامه دادن فلان شخص آمد و اظهارنامه داد من فلانقدر دارم.

مفتش آمد و خبر داد که این طور نیست.

رجوع میکنم به مملکت که اداری از آنجا رجوع میشود بجهت کمیت.

اگر در حکومت یکی از افراد ملت محکوم شد مدتی بجا هم از او جریمه میگیرند اما اگر دولت محکوم شد هیچ.

آیا معنی قضاوت این است؟! آقای حاج عز المالك.

اگر بنده عرض حال دادم که دو هزار تومان دارم بعد آقای مفتش خبر دادند که خیر بیشتر دارد آنوقت به مملکت اداری رجوع میشود در آنجا اگر من محکوم شدم خانه و اثاثیه ام را هم باید بفروشم بندهم بدولت.

ولی اگر آن مفتش با مترجم اداری فلان مستخدم آمد و اظهاراتی برخلاف کرد و محکوم شده بیچ!

چون مستخدم دولت است!! آقا مادر اینجا دونه متعادل کمین هستیم اگر من محکوم شدم صد پنجاه جریمه بدهم اگر دیگری محکوم شده بیچ!!

به بنیاد دیگر آنها يك مواد است از یاسای جنگیزی بدتر است.

این است که بنده بانهایت التماس و التجا از غیر محترم قاضا و استدعایم کنم که خودشان عالی جنابی کنند و تفضل بهال این ملت بدبخت بکنند و این لایحه را پس بگیرند بپروند بکیسیون و در کیسیون شور بنمایند مخالفش هم بیایند در آنجا صحبت هاشان را بکنند و يك لایحه ترتیب بدهند که بشود در شور وارد شد والا این لایحه باین ترتیب غیر از اینکه در واقع بهر دواظهارش در مجلس اسباب يك انقلاب خیال و اضطراب برای مردم میشود دیگر چیزی نیست.

برای استحضار خاطر آقایان عرض می کنم بروند منزل آقا سید کاظم یزدی و آقای شیخ الرئیس ببینند در ذریه يك جانی بزاز خانه بوده است شاهد تومان می داده اند.

صدوی پنجاه باب دکان بوده است از بین رفته بود دکان باقی مانده است باز هم شصت تومان را میخواهند بگیرند.

شصت تومان هم بعنوان رنگرزی میگرفتند آهم که از بین رفته است باز میگویند باید بدهید هر چه میگویند!

اصلاً رنگرزی موضوع ندارد میگویند باید بدهید.

آنوقت تمام دکان را بسته اند آمده اند در طهران پس فردا بواسطه این ترتیبات همه دکانها بسته میشود و يك انقلابی میشود.

من نمیدانم طرح این لایحه را کسی کرده است که سواي يك انقلاب در مملکت هیچ نتیجه ندارد.

پس خوب است اعضای محترم کیسیون تفضل فرمایند.

عالی جنابی کنند.

تصمیم بخرج ندهند که آمدیم بقوه منطق و بیان شور در کلیات این لایحه را قبول کردیم آخر نکند.

از خدا بترسید و این مالیات که سراپا زحمت برای ملت است وضع نکنند.

حالا که حرف هاشان را زدید حاضر هستید بروید بیرون؟

مدارس - بعد از نفس.

رئیس - آقایان میخواهند انتخابات بماند برای بعد از نفس؟

رئیس - آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی - بنده بکسی از مسائل عادی اینست که مالیاتها و عوارض که در عایدات افراد باشد.

این يك قضیه مسلمه است که قابل شبهه و تشکیك نیست.

مسائل این دراز است مرامها بدایم: حزبها تشکیل داده ایم.

باسامی مختلفه احزاب سیاسی داشته ایم، یکی از برجسته ترین مواد مرامها این بوده است که مالیات عایدات بنده و بیشتر آقایان هم شاید جزو این تشکیلات بوده اند و مرامشان این بوده است که بر عایدات مالیات ببندند نه بر رؤس مردم و سرشماری. از زمان استبداد تا به حال در این مملکت آثار مالیاتی آن زمان باقی مانده است مجلس ها هم تاکنون موفق نشده اند که يك جرح و تعدیلی در ترتیبات عوارض و مالیاتها بکنند.

در زمان استبداد اینطور بوده است که تمام عوارض و تحبيلات دولت متوجه مملکت است بخدمت اراضی و املاک زارعین.

هر وقت دولت خواسته است يك مالیاتی وضع کند آن مالیات متوجه شده است بار زراعت و فلاحات.

همان فلاحتیکه باید مواد اولیه را بوسیله آن بعمل بیآوریم. همان فلاحتی که ما میخواهیم نتیجه آن يك صادراتی شود که باز اردات ماموازه حاصل کند.

و کمکی بدولت نمیکند.

مثلاً فلان تاجر در شهر احتیاجش به نظمی و همینطور احتیاج مال التجاره اش در بیابان یا منتهی خیلی بیشتر است تا گاو آهن دهقان؛ گاو آهن دهقان حافظ مال التجاره آن تاجر در بیابان دولت است.

حافظ دکان و مغازه اش در بیابان و بازارها نظمی است.

تشکیلات مملکتی بیشتر به نفع آنها است و هیچ کمکی بدولت نمیکند و دیناری بدولت نمیدهند.

مالیات گمرک هم مربوط به آنها نیست مردم میدهند.

تاجر از همان روزیکه مال التجاره را از اروپا یا جای دیگر میخواند حساب مالیات گمرکی را در دفتر خود یا جای دیگر میکند.

اگر دید صرفه دارد آن وقت آن مال التجاره را میبرد پس آن مالیاتی را که میدهد از مردم میگیرد و بنابراین تاجر دیناری بدولت نداده است.

همین طور ملاحظه فرمایند اطباء يك صنفی هستند در این مملکت يك پول هائی گزافی از مردم میگیرند و دیناری بدولت نمیدهند.

و کلاهی عده ای اقلشان هستند که يك استفاده های کلی در اطراف تشکیلات تصاعدی این مملکت میکنند و دیناری هم بدولت نمیدهند.

همچنین مؤسسات رهتی ملاحظه می فرمایند در این شهر چقدر است و هیچ بدولت کمک نمیکند.

آن وقت دولت باید برود از دهقان، ملاک مالیات بگیرد و خرج این مردم بکند این خیلی ظلم فاحشی است.

مافردا میخواهیم قانون ثبت اسناد را اجرا کنیم و قانون سجل احوال واحصائیه و سایر قوانین اینها را باید در همین مجلس تصویب کنیم.

اینها هر کدام يك مغارجی دارد و يك تشکیلاتی میخواهد.

اگر وقت بکنیم می بینیم که تمام این تشکیلاتیکه در آتی میخواهیم درست کنیم این قانونها که منظور است بخواهیم اجرا کنیم باز بیشتر به نفع این اشخاص است.

ولی فلان دهقان بدبخت که چیزی ندارد و دارای هیچ عایدی نیست دولت هم دوتومان بدهد و پنج تومان از او بگیرد اونجاچار است اثاثیه اش را گرو بگذارد و بدهد آن وقت آن مالیات حق است و باید گرفته شود.

ولی فلان تاجر که در سال ده هزار تومان پنجاه هزار تومان و لائیل ده هزار

تومان در سال استفاده میکند نباید دیناری بدولت بدهد!!!

مالیاتها ماشاء الله خیلی عادلانه است! و بنده تعجب میکنم که چه طور حاضر نیستیم لائیل تعدیلی بشود.

در این جلسه و جلسه گذشته يك اعتراضاتی شده بود به تشکیلات ماله که با وضع فعلی ماله و دائر و وضع کنونی آن چگونه میشود اطمینان کرد و مالیاتی وضع کرد که اجرائش را به عهده آسان گذارد.

در صورتی که مشکلاتی برای مردم تهیه میکنند.

تصدیق میکنم این مشکلات هست وی این مشکلات را باید يك قوانین و نظامانی حل کند.

مشاور اعظم - هر دفاعی دارید حالا بکنید.

یاسانی - البته باید جلوگیری از مظالم ماله کرد.

این هیچ مربوط بوضع مالیات بر عایدات نیست اگر دوازده ماله تشکیلاتش متناسب امالیات مملکت ایران نیست.

اگر يك مظالمی در ماله اتفاق می افتد و اگر فعلاً ماله هیچ قانونی و نظامنامه ندارد که و انفا هیچ نمیشود تسک کرد بيك قانون و نظامنامه اگر وضع ماله ما خراب است دلیل نمی شود که ممالک ما بکنیم با لایحه مالیات تصاعدی البته امیدواریم نظامات و قوانین رئیس کل ماله برای این مالیات و سایر مالیاتهای دیگر مرتب کند...

آقا سید یعقوب - در آتی؟

یاسانی - یکی از طریق اصلاح ماله ما گذارتن قانون میزری است و البته بهلوی آن هم يك نظامنامه هست و يك قسمت از مشکلاتی که باید رفع شود راجع به میزری است که آن هم البته رفع خواهد شد.

و اینکه گفته میشود گرفتن این مالیات عملی نیست و وزارت ماله موقوف نمیشود باخذ این مالیات و اگر هم گرفت مغارج گراف دارد بنده بنده اینطور نیست.

این تشکیلات ماله که ما بآن اعتراض داریم و برای این مملکت زیاد میدانیم هم زیاد است.

ما اعتراض داریم که این تشکیلات برای این عایدات زیاد است و اگر صدتا دویست کرور هم عایدی داشتیم این تشکیلات موقوف میشد بوصول و ایصال آن ها.

پس اگر يك عوارض جدیدی وضع بشود نباید چندان نگرانی داشت که مغارج وصول و ایصال آن زیاد خواهد شد.

زیرا ماله با همین تشکیلات باخدا این

مالیات موقوف خواهد شد.

و اینکه گفته میشود اگر این را تصویب کنیم موجب میشود که دولت نفتیشانی در دفاتر تجار و شرکت ها بنمایند.

و شاید آن مؤسسات و شرکت هادر باطن يك آلودگی هائی داشته باشند و میل نداشته باشند که وضعیت باطنی خودشان کشف شود.

باینجهت نباید این مالیات را وضع کنیم بقیده من اینطور نیست زیرا ما نباید روح هرج و مرج را در این مملکت تصویب کنیم.

مجلس نباید مظهر هرج و مرج خارجی مملکت باشد.

مجلس باید بگوید که ما همین قدر که آزادی دادیم و ب مردم اول مشروطه گفتیم ککل الناس احرار مطلقاً نبود گفتیم آزادی هست ولی باید يك قیدی هم در کار باشد و بسک مجلسی هست که يك قودی برای آزادی های مردم تهیه میکنند.

مجلس غیر از این کاری ندارد ما الان میخواهیم قانون تجارت وضع کنیم یعنی چه؟

یعنی اینکه میخواهیم از هرج و مرج تجارتی در آتی جلوگیری کنیم؛ مال مردم در دست مؤسسات حیف و میل نشود.

ما میخواهیم بالاخره بگوئیم تاجر کسی است که دولت بر سیت او را بشناسد.

ما میخواهیم بموجب قوانین و نظامانی دولت از سرمایه تجار و ترتیبات شرکتهای آن ها مطلع باشد.

البته ضرر ندارد و بفتح جامعه است اگر بضرر بکنند تمام شود بفتح صد نفر تمام خواهد شد.

این نفتیشی که دولت سال بسال می کند مثلاً در دفتر بیان نگاه میکند میداند که خلاصه سرمایه و عایدات و مغارج و خلاصه عملیات يك ساله آن چه بوده است و اطلاعات او باعث میشود که تاجر و رشکست نشود و کلاه کلاه نکند و بالاخره این لغات از مملکت بر انداخته شود.

مدرس - یعنی هر وقت دولت بخواهد بتواند از او بگیرد.

یاسانی - يك نوع مالیات هائی از اول در مملکت معمول بوده است از قبیل سر شماری و سایر مالیاتها.

مثلاً ششیدم در تبریز مالیات از صنف سبزی فروش میگیرند و شاید جاهای دیگر هم باشد و مالیات از يك صنف هائی میگیرند که استطاعت پرداخت آن را ندارند اگر خاطر آقایان باشد وقتی دولت این لایحه را تقدیم مجلس کرد قرینه آن يك لایحه بود که دویست قسم از آن مالیاتها با بدهی شد

و همه ماطر قدر داریم که آنها ملغی شوند از قبیل مالیاتهای کوره یزی، آجر یزی، سبزی فروش، سینه دوزی، البته باید اینها از بین برود و ملغی شود. مخالفین این لایحه در این قسمت که شبهه ندارند.

خوب اگر ما بخواهیم آن مالیاتها را ملغی کنیم باید يك چیزی جایگزین آنها شود که تعدیل بدهد بهم نخورد یا خیر؟

آنچه که باید بجای آنها وضع کنیم چه طور باید باشد که با وضعیت دنیای کنونی مناسب تر باشد؟

البته همه مالیات بر عایدات است که از نقطه نظر شرعی هم اگر نگاه کنیم عوارض که شرعاً وضع شده است بیشتر بر روی عایدات بوده است همین ارباب مکاسب بنده درست دقت کرده ام مالیات ارباب مکاسب که در شرع مضرتر شده از قرصه صدی دویست است.

آقایان فقها مراجعه فرمایند ببینند آیا اینطور هست یا نه.

و همینطور صدی دو و نیم تصاعد پیدا میکند از بیست تومان منها است ولی از بیست تومان بیلا مرتباً صدی دویست میزان مالیات شرعی است.

اگر شما در نظر این لایحه اعتراض دارید که تناسب باشد بهتر است با تصاعد ممکن است در ضمن مواد پیشنهاد کنیدی عیالاً شور در کلیات است و اینکه باید مالیات بر عایدات وضع کرد و در آتی نمیشود مالیات را تخصیص داده بيك طبقه مخصوص و نباید مالیات را فقط از افراد طبقه سیم گرفت و طبقه اول و دوم از دادن عوارض معاف باشند ما در این مباحثه هستیم بهمان دلیل که در این مملکت مالک و زارع و دهقان باید مالیات بدهند بنده فریادمیزم که باید تاجر، دوا فروش و وکیل و طبیب هم مالیات بدهند.

(نمایندگان - صحیح است)

و هیچ دلیل ندارد که ما تبعیض قائل شویم و بقیده بنده مخالفت با این لایحه عبارت از قائل تبعیض شدن در باره طبقات ملت است و مالک و زارع و دهقان حق دارند بشما نمایندگان تعرض کنند که مجوزی بود که مالیات هائی را باسم قانون میزری وضع کردید و با هالی تعدیل نمودید با مالیاتهای سابق را جرح و تعدیل کرده و با تعدیل نمودید.

ولی طبقه که عوالمشان بیشتر است من درست مقایسه کردم يك تاجری است که براحتی زندگی میکند و هیچ نوع مشقات و زحمات و نگرانی های آن زارع بدبخت را ندارد و در سال هم ده هزار تومان عایدی دارد و بخواهی زندگی میکند آن وقت آن مالک و آن زارع از هر دری دولت متوجه او میشود و متوجه آن تاجر نمیشود.